

گاه لازم است که انسان دیده‌گان خود را ببندد، زیرا اغلب خود را به نابینایی زدن نیز نوعی خوش‌بختی است.

www.mandegardaily.com

سال چهارم شماره یک هزار و هجدهم سه‌شنبه ۲۲ اسفند/جوت ۱۳۹۱ ۱۲ مارچ ۲۰۱۳

یک فرمانده ارشد افغانستان: فرمان کرزی عامل مرگ ۲۱ سرباز در بدخشان است



یک فرمانده ارشد نیروهای داخلی روز دوشنبه تلفات سنگین نیروهای امنیتی کشور را محصول فرمان رییس‌جمهور کرزی برای ممنوعیت حمایت هوایی ناتو از این نیروها دانست. به گزارش خبرگزاری آلمان، دست‌کم ۲۱ سرباز نیروهای امنیتی در منطقه وردوج در ولایت بدخشان کشته شده‌اند. این فرمانده ارشد که خواست نامش فاش نشود، به خبرگزاری آلمان گفت: «این سربازان افغان زمانی که توسط طالبان مورد حمله قرار گرفتند، حمایت هوایی را تقاضا کردند. ما از نیروهای ناتو درخواست کمک کردیم؛ اما آن‌ها به ما گفتند رییس‌جمهور افغانستان حمله هوایی ناتو برای حمایت از نیروهای افغان را ممنوع کرده است.»

ماه گذشته پس از آن‌که چندین غیرنظامی در حملات ناتو در ولایت کاپیسا کشته شدند، حامد کرزی... ادامه صفحه ۶

مالیخولیای رییس‌جمهور و هم‌کاسه‌گی طالبان با امریکا



آقای کرزی با وارد کردن فشار بر جامعه جهانی، می‌خواهد به همان نتایجی دست یابد که در دو انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری به آن‌ها دست یافت. به گفته بسیاری از آگاهان سیاسی، طرح آقای کرزی برای باقی ماندن در قدرت، با واکنش تند جامعه جهانی و به‌ویژه امریکا روبه‌رو شده است. به گفته این آگاهان، در ماه‌های اخیر، امریکا به آقای کرزی هشدار داده که به هیچ صورت نمی‌تواند در قدرت باقی بماند و یا این که افراد خانواده خود را نامزد انتخابات کند

صفحه ۶

وزیر دفاع ملی در دومین سالگرد شهادت جنرال سیدخیلی: دامن زدن به اختلافات منطقه‌یی و قومی خیانت ملی است



این سخنان رییس‌جمهور واکنش‌های تندی را به همراه داشت، فرمانده کل ناتو و سفارت امریکا در کابل این اظهارات را رد کرده و گفته‌اند که این سخنان حامد کرزی اشتباه است.

در این حال، احمد ضیا مسعود، رییس جبهه ملی افغانستان در مراسم گرامی‌داشت از جنرال سیدخیلی گفت که سیاست‌های دولت در راستای حذف مجاهدین از حکومت و آوردن طالبان به قدرت است. به گفته او، کسانی که به نمایندگی از مجاهدین در حکومت هستند در... ادامه صفحه ۶

دکتر عبدالله عبداللہ رییس ائتلاف ملی در این مراسم با انتقاد از اظهارات روز یکشنبه رییس‌جمهور کرزی گفت که سوالات زیادی در باره صحبت‌های اخیر آقای کرزی در ذهن مردم افغانستان خلق شده است. رییس ائتلاف ملی، اظهارات رییس‌جمهور کرزی را سوال‌برانگیز خواند.

رییس‌جمهور کرزی روز یکشنبه در کابل گفت که امریکا به صورت پنهانی با طالبان مذاکره می‌کند. آقای کرزی گفت: «دولت امریکا و گروه طالبان همواره در کشورهای اروپایی و حوزه خلیج‌گفت‌وگو می‌کنند.»

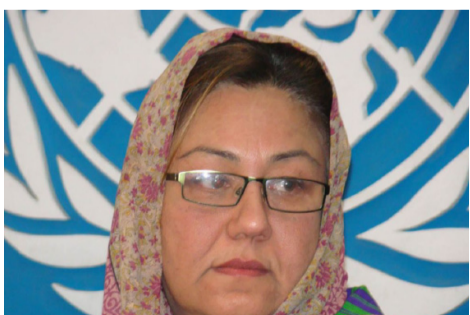
شماری از رهبران اپوزیسیون سیاسی دولت، در مراسم دومین سالگرد شهادت جنرال عبدالرحمان سیدخیلی فرمانده فقید جهاد و مقاومت که روز گذشته در ولایت پروان برگزار شده بود، اظهارات روز یکشنبه حامد کرزی را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند.

جنرال عبدالرحمان سیدخیلی فرمانده پولیس کندز دو سال پیش توسط یک عامل انتحاری در شهر کندز به شهادت رسید.

روز گذشته از دومین سالگرد شهادت او، با حضور صداهان از مردم پروان، کاپیسا، پنجشیر و کابل در شهر چاریکار گرامی‌داشت به عمل آمد.

دفتر یوناما در کابل:

از طالبان چراغ سبز دریافت کرده‌ایم



دفتر سازمان ملل متحد در کابل می‌گوید آن‌ها گمان می‌کنند که طالبان مسلح حاضر می‌شوند تا در مورد مسایل حقوق بشری گفت‌وگو کنند. این اولین باری است که سازمان ملل متحد از آمادگی‌ها برای گفت‌وگو با طالبان خبر می‌دهد.

طالبان متهم هستند که حقوق بشر را نقض کرده و به اصول و قوانین بین‌المللی توجیهی ندارند. نماینده‌گی سیاسی سازمان ملل متحد در کابل می‌گوید که این سازمان از سوی طالبان چراغ سبزی را دریافت کرده است که گویا آنان حاضر هستند در مورد مسایل حقوق بشری گفت‌وگو کنند.

نیلاب مبارز، یکی از سخنگویان ملل متحد در کابل می‌گوید که آن‌ها نیز آماده‌اند که در مورد امنیت غیرنظامیان و سایر مسایل بشری با طالبان نشست داشته باشند.

چندی پیش سازمان ملل متحد گزارشی را منتشر کرد که طالبان را عامل به وجود آمدن ۸۱ درصد تلفات

فاز تازه تنش میان کابل و واشنگتن



نخستین سفر چاک هیگل به عنوان وزیر دفاع امریکا به افغانستان تحت‌الشعاع سخنرانی بحث برانگیز حامد کرزی و لغو کنفرانس خبری آن‌ها به دلیل نگرانی‌های امنیتی قرار گرفت.

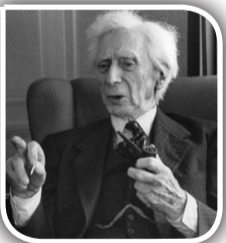
به گزارش خبرگزاری فرانسه، قرار بود حضور چاک هیگل، وزیر دفاع امریکا و حامد کرزی، رییس‌جمهوری افغانستان در مقابل دوربین‌ها یکی از بخش‌های اصلی سفر وزیر دفاع امریکا به افغانستان... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



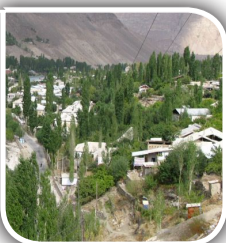
جنرال
علمی:
کرزی
دهان‌پرآب
پاکستان
است

چه‌گونه از
عقاید احمقانه
بپرهیزیم؟



یک سبب کل
سپاس برای
پاسداران
آزادی بیان!

معمای بحران
امنیتی
بدخشان



گفت‌وگو با جنرال نور الحق علمی

جنرال علمی:

کرزی دهان پر آب پاکستان است



شورای همکاری احزاب نه تنها در باره برگزاری انتخابات و قانون انتخابات احساس مسوولیت می‌کند، بل تمامی مسایل مبرم ملی را جز وظایف خود می‌داند.

یگان وقت دولت و برخی کسانی که شوق سیاست می‌کنند روی اجماع ملی تأکید می‌کنند؛ فعلاً اجماع ملی که از ساختارهای دموکراتیک و جامعه مدنی برخوردار است، به وجود آمده است. بر هیچ اجماع و محوریتی که ساختار نداشته باشد، نمی‌توان اعتماد کرد. این اجماع (شورای همکاری احزاب و ائتلاف‌های سیاسی) مصمم به کار است. ما می‌خواهیم که تا آخر به پیش برویم. ما می‌خواهیم که این احزاب با همین کمیت و کیفیت حفظ شود و حتا تلاش داریم که گسترش پیدا کند. تلاش‌ها جریان دارد که در انتخابات پیش‌رو، از شورای همکاری احزاب، کاندیدای مشترک داشته باشیم.

پرسش: اخیراً بسیاری از جریان‌ها و فعالان سیاسی، یک موضوع مشخص را با واژه‌های مختلف مطرح می‌کنند. برخی‌ها از اجماع ملی صحبت می‌کنند، برخی‌ها گفت‌وگو یا دیالوگ بین‌الافغانی را مطرح می‌کنند، برخی‌ها آجندای ملی را پیش می‌کشند و برخی‌ها هم از بسج ملی حرف می‌زنند. در واقع با مفاهیم جداگانه، هدف مشترکی را بیان می‌کنند. آیا شما تا هنوز یک طرح موثر و تدوین شده در این زمینه از جانب کدام جریان سیاسی چه ائتلاف ملی چه جبهه ملی یا کدام جریان سیاسی دیگر که بدیلی باشد برای برنامه‌های حکومت، دیده‌اید؟

پاسخ: یک سلسله تلاش‌ها در تیم حاکم جریان دارد که بتوانند این اصطلاحات را مغالطه کنند. در شورای همکاری ائتلاف‌ها و احزاب، شخصیت‌های ملی حضور دارند، این‌ها خود یک اجماع هستند؛ اما دولت در پهلوی آن اصطلاح اجماع ملی را مطرح می‌کند. اجماعی که از طرف دولت طرح می‌شود در آن یک تعداد افراد و اشخاص وابسته و دعاگوی جمع می‌شوند، بعد اسمش را می‌گذارند اجماع ملی؛ که این نادرست است. اما ائتلاف و جبهه به همکاری سایر احزاب توانستند زیر نام شورای همکاری احزاب و ائتلاف‌ها چنین اجماعی را به وجود آورند و این یک دست‌آورد است. در این شورا طرف‌داران دولت هم است و مخالف دولت هم. دولت از مبارزه مدنی و مبتنی بر قانون جریان‌های سیاسی باید خوشنود باشد. دولت به آنانی که نظام و قانون اساسی را نپذیرفته اند، یک عالم ارزش قابل است، تا جایی که جنایات‌شان را هم... ادامه صفحه ۷

به طرف یک انتخابات شفاف و عادلانه برویم و حکومت انتخابی از اعتماد ملی برخوردار باشد، ما در داخل خانه خود نظم و آرامش را تضمین کرده می‌توانیم.

پرسش: جناب جنرال! شما عضو رهبری ائتلاف ملی افغانستان استید؛ ائتلاف ملی چه برنامه‌ی برای رهایی از وضعیت کنونی کشور دارد؟

پاسخ: ائتلاف ملی با دیدگاه وسیعی که دارد، همواره کوشیده در هماهنگی مشترک با شخصیت‌هایی که در این ائتلاف هستند، راهبردی عملی را تدوین نماید که در آن خواست اکثریت مطلق مردم افغانستان نهفته باشد. ائتلاف ملی برای این که در آینده بتواند زمینه‌های حکومت‌داری سالم را در کشور مساعد سازد، با جبهه ملی، احزاب مختلف و شخصیت‌های مختلف از اقوام مختلف، گردهم جمع شده‌اند.

پرسش: برنامه‌ی که برای رهایی و عبور از این بن‌بست روی دست دارید، چه است؟

پاسخ: ما می‌خواهیم با برنامه مشترک در تبانی با شورای همکاری احزاب، فضایی را ایجاد کنیم که در آن چه باید کردمان تعریف شده باشد. در منشور شورای احزاب واضح است که ما چه کرده می‌توانیم و چه کرده نمی‌توانیم. در حال حاضر شورای همکاری احزاب روی قانون انتخابات توافق آرا دارد؛ اما تا اکنون هیچ قانونی که بتواند یک انتخابات شفاف را تضمین کند، وجود ندارد. این قانون طرح مشترک ائتلاف ملی با دیگر احزاب است. اکنون این قانون در پالمان قرار دارد و شورای احزاب انتظار تصویب آن را دارد. براساس این قانون، نقش احزاب باید افزایش یابد و کمیسیون مستقل انتخابات باید مستقل شود. در (مسوده) این قانون شرایط انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده روشن است. ائتلاف ملی می‌خواهد که مردم یک انتخابات سالم و عادلانه داشته باشند که در آن همه مردم جایگاه خود را بیابند. اگر ما گذشته را بنگریم، می‌بینیم که احزاب سیاسی و ائتلاف‌هایی که دیروز در تقابل هم قرار داشتند، امروز برای تأمین وحدت ملی در کنار هم تفاهم کرده‌اند.

پرسش: از فعالیت‌های شورای همکاری احزاب یاد کردید. شما آینده این حرکت را چه‌گونه ارزیابی می‌کنید و چه‌قدر باور دارید که این احزاب تا فصل انتخابات بتوانند روی یک برنامه کلان کار کنند و متحدانه پیش بروند؟

پاسخ: منشوری که شورای همکاری احزاب دارد، بسیار به‌جاست. تا اکنون این شورا با علاقه‌مندی و با اراده به پیش می‌رود. این احزاب در بسیاری از موارد بحث‌برانگیز هم به توافق نظر رسیده‌اند.

پرسش: آقای علمی با تشکر از این که فرصت گذاشتید برای یک گفت‌وگوی ویژه با روزنامه ماندگار. در نخست به شکل کلی می‌پرسم که تعریف شما از وضعیت سیاسی کنونی افغانستان چیست؟

پاسخ: به همه شما معلوم است که وضعیت کنونی افغانستان چه‌گونه است، به ویژه وضع سیاسی. همه چیز تعلق می‌گیرد به مردم و رهبری‌ی که در کشور است؛ اگر امروز یک رهبری درست در افغانستان موجود باشد و مثل یک محظور از جاذبه خوب برخوردار باشد، برای جذب و اعتماد مردم افغانستان و سوق دادن مردم به راهی که واقعا صلح و آرامش و ثبات را در پی داشته باشد، می‌تواند بسیار کمک کند.

بیش از سه دهه است که ما به مصیبت‌های بسیار بزرگ گرفتار شده‌ایم، یکی از این مصیبت‌ها سیاست تفرقه‌انداختن و حکومت کردن و نفاق‌افگنی است، در این‌جا افغان را علیه افغان قرار دادند. بعد از مدت‌ها مردم امید داشتند که ممکن در کشور حاکمیت قانون، عدالت و... حکم‌فرما شود، در حقیقت مردم برای توسعه و ترقی کشور کمر همت بسته بودند. تلاش‌ها در عرصه‌های مختلف آغاز شد و این تلاش‌ها به خوبی پیشرفت، اما متأسفانه از آن‌جایی که مردم ما طالع خوب نداشتند، نتوانستیم آن طوری که قانون اساسی افغانستان صراحت دارد، به یک حکومتی که مبتنی بر قانون باشد، دست یابیم.

نابسامانی‌هایی که امروز در جامعه ما وجود دارد، برهه مردم کشور روشن است: امروز مردم ما از نبود حاکمیت قانون، نبود حکومت‌داری سالم، نبود شایسته‌سالاری و... رنج می‌کشند. کسانی که در عرصه سیاسی و امنیتی کار می‌کنند، اگر این اصول را در نظر می‌گرفتند، امروز عامل نجات مردم افغانستان می‌بودند.

تا هنوز مردم خواب ثبات و صلح پایدار و امنیت را می‌بینند. هنوز مردم توسط انتحاری و ترورهای سازمان‌دهی‌شده و آماج قرار گرفتن سرحدات ما از آن‌سوی مرز، رنج می‌کشند. مردم این کشور همان‌گونه که در تاریخ ثابت ساخته اند، همیشه متحد و معتقد بودند و همه به حیث یک افغان واحد و کنار هم در برابر دشمن مقاومت و پایداری کرده‌اند. اما شهروندان کشور آن طوری که قانون گفته است هنوز از حقوق مساوی برخوردار نیستند؛ هنوز ما در رأس کشورهای قرار داریم که در آن فساد بیداد می‌کند، هیچ کس نمی‌تواند حق قانونی خود را بدون این که رشوه بپردازد و تن به فساد بدهد، به دست آورد. برخی عناصری هنوز هم فعال هستند که منافع شخصی خود را بر منافع ملی ترجیح بدهند، آن‌ها صاحب سرمایه‌های میلیون دلاری شدند.

وضعیت به حدی سردرگم است که دوسال می‌شود پاکستان به گونه مستقیم ما را هدف قرار می‌دهد، اما کسی نمی‌تواند به این کشور بگوید که چرا؟

دولت‌مردان ما با تأسف هنوز از خواب غفلت بیدار نشده‌اند. باید ما در روابط خود با دنیا منافع ملی کشور یعنی منفعت تمام مردم افغانستان را در نظر داشته باشیم، نه منفعت یک گروه، قوم و تیم خاص را. سوال این است که ما کجا می‌رویم؟ مردم چشم امید خود را به ایجاد یک اداره سالم دوخته‌اند که سال ۲۰۱۴ بیاید. تهدیدات و چالش‌هایی در رابطه به سال ۲۰۱۴ آگاهانه و ناآگاهانه از طرف دولت‌مردان (دامن زده می‌شود). آن‌ها بحران را طوری نشان می‌دهند که حتا امید مردم نسبت به این سال کم شده است. مهم نیست که قوت‌های خارجی در کشور باقی می‌مانند و یا می‌روند؛ اگر ما یک انتخابات شفاف و سالم را برگزار کرده بتوانیم و در این انتخابات، همه طرف‌ها بتوانند کاندیدای خود را در داشته باشند، ما می‌توانیم صلح و ثبات را در کشور تأمین کنیم. ولی این زمینه تا هنوز فراهم نشده است؛ اگر ما

سخن‌ماندگار

دیگ به دیگ می‌گه: رویت سیاه!

رئیس‌جمهور کرزی در آخرین سخنرانی‌اش که به مناسبت هشتم مارچ ایراد شده، گفته است که برخی از «طالبان وطن‌دوست» برای او خیر داده‌اند که ایالات متحده با طالبان همواره در کشورهای اروپایی و کشورهای حوزه خلیج فارس، گفت‌وگو می‌کنند. گفته‌ی که واکنش مقامات امریکایی را برانگیخته است.

هرچند این نخستین‌بار نیست که جناب کرزی علیه سیاست‌های ایالات متحده سخن می‌راند، اما باید دید که کدام حرکت ایالات متحده باعث چنین واکنشی شده است؟

به نظر می‌رسد که امریکایی‌ها ضرب‌الاجل جناب کرزی مبنی بر خروج نیروهای آن کشور از ولایت میدان وردک را جدی نگرفته‌اند. جناب کرزی گفته بود که نیروهای ایالات متحده باید در مدت دو هفته از آن ولایت خارج شوند؛ اما به‌رغم آن‌که زمان این ضرب‌الاجل تمام شده، نیروهای ایالات متحده هنوز پابرجایند و تنها از یک توافق در این مورد آگاهی داده شده است.

به هر حال، آن‌چه آشکار می‌باشد این است که جناب کرزی همواره به‌خاطر ضرب‌شست نشان دادن به ایالات متحده، به چنین سخنان عوام‌فریبانه‌ی متوسل می‌شود. به این معنا که طالب‌پروری جناب کرزی کمتر از ایالات متحده نبوده و نیست. در همین سخنرانی، اصطلاح «طالب وطن‌دوست»، یکی از نشانه‌هایی‌ست که دل‌بسته‌گی آقای کرزی را به این گروه جنایت‌کار نشان می‌دهد. اعتراض بر مذاکرات طالبان با ایالات متحده، از سر دل‌سوزی و مردم‌دوستی آقای کرزی نیست. بر فرض اگر چنین مذاکراتی واقعیت هم داشته باشد، جناب کرزی به این دلیل شاکی است که چرا در این مذاکرات نقش او و تیمش نادیده گرفته شده است؟

هرچند ایالات متحده در پی اظهارات آقای کرزی واکنش نشان داده و گفته است که سخنان آقای کرزی درست نیست؛ اما مردم افغانستان در این تردید ندارند که بازی‌های استخباراتی ایالات متحده با طالبان، خیلی هم به دور از منطق نیست. زیرا در چند سال گذشته، آن کشور برنامه‌هایی را به اجرا گذاشته است که بیان‌گر دوستی و تعامل پنهانی ایالات متحده با طالبان بوده است.

دست‌کم اظهارات معاون رئیس‌جمهوری امریکا مبنی بر این‌که طالبان دشمن ایالات متحده نیست و طراحی برنامه مصالحه با طالبان از سوی این کشور، خود روشن‌گر چنین دریافتی می‌باشد. اما باید گفت که در این راستا حمایت و نقش جناب حامد کرزی و تیمش نیز کم نبوده است.

تا کنون طوری بوده که هر طرح طالب‌پرورانه‌ی را که ایالات متحده مطابق منافع خودش ارایه کرده، حکومت جناب کرزی مجری آن شده است. روشن‌ترین نمونه‌اش مذاکرات قطر بود که هر دو جانب (ایالات متحده و حکومت افغانستان) دوشادوش هم کار کردند که خوش‌بختانه طالبان دست رد به سینه آنان زدند.

جناب کرزی ایالات متحده را به مذاکرات با طالبان متهم می‌کند؛ اما از برادر و وطن‌دوست خطاب کردن‌های خودش چیزی نمی‌گوید. به مذاکراتی که او و تیمش با طالبان انجام داده‌اند، اشاره‌ی نمی‌کند. و از رهایی زندانیان طالبان به فرمان خودش نیز سخنی بر زبان نمی‌آورد.

بنابراین، حرف آقای کرزی به‌جا و پسندیده نیست؛ زیرا به همان اندازه که ایالات متحده در امر رسمیت بخشیدن به طالبان مقصر است، خود رئیس‌جمهور نیز گناه‌کار می‌باشد.

در هر صورت، این بازی‌های منفعت‌طلبانه ایالات متحده و حکومت افغانستان در طول سال‌های گذشته، آن‌چه را که نباید اتفاق می‌افتاد، به یک امر واقعی مبدل کرده و آن همانا رسمیت یافتن گروهی کوچک و جنایت‌کار است که طالبان نام دارد. در اثر همین امتیازبخشی‌ها، این گروه اکنون مدعی سهم‌گیری در نظام و حاکمیت افغانستان‌اند.

دیگر برای مردم افغانستان خیلی فرق نمی‌کند که کرزی یا این گروه مذاکره می‌کند یا امریکا. منتها این موضوع مهم است که جناب کرزی طوری خود را نشان می‌دهد که گویا در به وجود آوردن چنین لجنی، هیچ دخالتی نداشته و یا دست‌کم از آن سلامت و ستره به‌در آمده است.

تصحیح:

در شماره روز گذشته این روزنامه، در مقاله‌ی زیر عنوان «مجلس نمایندگان چه می‌کند» که در همین صفحه به نشر رسید، در عبارت «انفجاری که روز شنبه مقابل وزارت داخله رخ داد» سهواً به‌جای وزارت دفاع، وزارت داخله آمده بوده است. بدین وسیله، ضمن پوزش از همه خواننده‌گان گرامی، این اشتباه را تصحیح می‌کنیم.

لاوروف: کشورهای خارجی مانع حل بحران سوریه هستند



سرگئی لاوروف اعلام کرد: تعداد بسیاری از کشورهای خارجی که از مخالفان حمایت مالی می‌کنند مانع از آغاز مذاکرات و پایان درگیری‌ها هستند.

به گزارش شبکه خبری روسیه الیوم، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه روز دوشنبه پیش از دیدار با هیثم مناع، رئیس هیات ملی هماهنگ کننده گروه‌های مخالف در سوریه اعلام کرد: با وجود اینکه طرف‌های درگیر در سوریه از لزوم پایان درگیری‌ها و آغاز مذاکرات آگاه شدند، اما اوضاع در سوریه بهبود نیافته است. کسانی هستند که درصدد مانع تراشی بر سر مذاکراتند که تعدادشان اندک نیست و کشورهای خارجی که از مخالفان حمایت مالی می‌کنند از جمله این طرف‌ها به شمار می‌آیند.

لاوروف خطاب به هیات هماهنگ کننده مخالفان سوریه اعلام کرد: ما اطمینان داریم که تلاش‌هایی که شما برای یکپارچه سازی مخالفان با هدف آمادگی برای مذاکره با مسوولان انجام دادید، به روندی که ما می‌خواهیم آغاز کنیم، کمک کرده است.

وی تصریح کرد: کنفرانس گروه‌های مخالف در پاریس برگزار شد، گام‌های سازنده‌یی برای آغاز مذاکرات رقم زد.

وزیر امور خارجه روسیه با یادآوری این مساله که نظام سوریه نظرات خود را برای آغاز مذاکرات مطرح کرده است، اعلام کرد: نظام سوریه از آغاز مذاکرات و پایان ناآرامی‌ها حمایت می‌کند.

وی تصریح کرد: مهم این است که مردم سوریه خودشان تمام مسایل را بدون نسخه‌های کشورهای خارجی حل و فصل کرده تا سرنوشت کشورشان و سرنوشت سیاستمداران سوری را مشخص کنند.

از سوی دیگر، هیثم مناع بعد از دیدار با لاوروف اعلام کرد: مخالفان سوری باید اصول کلی برای مذاکرات آتی با مسئولان سوری تشکیل دهند.

مناع تصریح کرد: مذاکرات در فضای مناسبی صورت گرفت و مواضع مشترک بسیاری برای حل و فصل مشکلات در سوریه وجود دارد.

وی اظهار کرد: ما نیاز داریم که تماس‌ها و مذاکرات مستقیمی میان هیات مخالفان با هدف دستیابی اصول کلی برای مذاکره میان مخالفان و دولت صورت گیرد.

مناع تصریح کرد که دستیابی به حل و فصل مسالمت آمیز و سیاسی بحران سوریه از مسکو می‌گذرد.

وی نسبت به سفر به روسیه اظهار خرسندی کرد و گفت: حتی در زمانی که اتحادیه عرب برای حل و فصل بحران پیشنهاد داده است، اما حل و فصل سیاسی ناآرامی‌ها از طریق مسکو صورت می‌گیرد.

مناع بر اهمیت همکاری با مسکو برای دستیابی به این راه حل تأکید و اعلام کرد: هیات هماهنگ کننده به این مساله پایبند است که راه حل سیاسی کشور را از «سومالیزه کردن» نجات می‌دهد.

وی اعلام داشت: در شرایطی که راه حل نظامی به شدت نمود پیدا کرده است، اما بیشتر سوری‌ها ایمان ندارند که راه حل سیاسی کشور را نجات می‌دهد.

مانور مشترک امریکا و کوریای جنوبی اوج تنش با پیونگ یانگ



امریکا و کوریای جنوبی مانور مشترک سالانه نظامی خود را در خلال تنش شدید با کوریای شمالی که در پی دور تازه تحریم‌های سازمان ملل متحد پدید آمد شروع کرده اند.

پیونگ یانگ شدیداً این مانور را محکوم و تهدید کرده است که از پیمان آتش بس که به جنگ کوریای پایان داد خارج خواهد شد.

سیول می گوید به نظر می رسد که کوریای شمالی تهدید خود دایر بر قطع یک خط تماس مستقیم اضطراری میان دو کشور را عملی کرده باشد.

مانور مشترک امریکا و کوریای جنوبی موسوم به «عزم اساسی» دو هفته طول می کشد و بیش از ۱۳ هزار سرباز در آن شرکت دارند.

یک مانور مشترک دیگر از ابتدای مارس در جریان بوده است.

هر دو رزمایش به طور سالانه برگزار می شوند که معمولاً با واکنش لفظی تند کوریای شمالی روبرو می شود.

دو کوریا رسماً در جنگ هستند زیرا پیمان آتش بس که در پایان مناقشه ۱۹۵۳-۱۹۵۰ امضا شد هرگز بدل به پیمان صلح نشد.

سفیر پاکستان در امریکا قهر کرد!

در پی درخواست احزاب اپوزیسیون پاکستان مبنی بر عزل فوری سفیران این کشور پیش از انتخابات آینده، سفیر پاکستان در امریکا از سرگیری دوباره وظایفش را رد کرد و به کشورش بازگشت.



به گزارش خبرگزاری آسیا، منابع مطلع از این خبر اعلام کردند که خانم شری رحمان، سفیر پاکستان در امریکا که این روزها در اسلام‌آباد به سر می‌برد، تا روی کار آمدن یک دولت موقت بر سر پست خود باقی می‌ماند.

چند روز پیش چوهدری نثار علی خان، رهبر اپوزیسیون در مجمع ملی و رهبر مسلم لیگ پاکستان شاخه نواز عزل فوری تمامی سفیران این کشور را خواستار شد. وی به‌ویژه بر عزل شری رحمان و وجید شمس الحسن، کمیسر عالی پاکستان در انگلیس که هر دو از اعضای حزب مردم پاکستان هستند، اشاره کرد.

نثار علی خان معتقد است که هر دو این نمایندگان احتمالاً از رای رای‌دهندگان برون مرزی به نفع خود استفاده می‌کنند و از این رو به آرای متعلق به مسلم لیگ پاکستان شاخه نواز در کشورهایی که در آنجا مشغول به کار هستند، خدشه وارد می‌کنند.

به گزارش منابع مطلع، شری رحمان در جریان نشست‌های خود با آصف علی زرداری، رئیس جمهوری و راجه پرویز اشرف، نخست وزیر پاکستان نگرانی‌های خود را در خصوص اعتراضات مطرح شده علیه وی از سوی احزاب مخالف مطرح کرده و گفته است، پیش از آنکه نخست وزیر موقت در خصوص برخی مسائل به وی ضمانت دهد، نمی‌تواند وظایف خود را دوباره از سر بگیرد.

طالبان پاکستان به اسلام آباد نسبت به «واکنش‌های هولناک» هشدار داد



طالبان پاکستان هشدار داد، اگر اسلام آباد ادعاهای خود مبنی بر اینکه در عملیات در بخش‌های مختلف شمال غرب کشور کمر شبه نظامیان را شکسته ادامه دهد با واکنش شدید و سخت این گروه مواجه خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری پی تی آی، بیانیه صادره از حزب «تحریک طالبان پاکستان» اشاره‌یی غیرمستقیم به اظهارات رحمان ملک، وزیر داخله پاکستان داشت که گفته بود دولت به لطف راهبرد ضد تروریسم، شبه نظامیان را محاصره کرده و همچنین تقاضاها برای آتش بس را پیش از گفتگوهای صلح رد کرد.

ملک همچنین گفته بود مردم پاکستان باید متحد شوند تا در حالی که این کشور به سمت «صلح پایدار» حرکت می‌کند، تروریسم را ریشه کن کنند.

در بیانیه طالبان آمده است: مردمی که از شبه نظامیان می‌خواهند تا آتش بس اعلام کنند باید در جستجوی پایان دادن به حملات هوایی در مناطق قبیله‌ای نشین پاکستان باشند.

احسان الله احسان، سخنگوی طالبان گفت: ما پیشنهاد گفتگوهای صلح با توجه به منافع ملی را دادیم، اما عناصر سکولار پیشنهاد جدی ما را دوست نداشتند و شروع به تقاضاهای نه چندان جدی کردند.

وی گفت: بعضی عناصر پیشنهاد طالبان برای گفتگوها را نشانه ضعف دانستند. این اظهارات ما را وادار به واکنش‌های هولناک می‌کند.

شبه نظامیان چندین پیشنهاد گفتگو به دولت داده‌اند اما حکیم الله محسود، رئیس حزب تحریک طالبان پاکستان به گونه‌ای روشن بیان کرده که جنگجویانش خلع سلاح نخواهد شد.

دولت بر این نکته اصرار دارد که شبه نظامیان باید سلاح‌های خود را بر زمین بگذارند و پیش از هر گفتگویی آتش بس موقت اعلام کنند.

فیدل کاسترو در مقاله‌یی به مناسبت درگذشت چاوز:

خدا حافظ ای دوست فراموش نشدنی!

چاوز نمی‌دانست چه قدر بزرگ است



فیدل کاسترو رهبر انقلاب کوبا و رئیس جمهوری سابق این کشور از هوگو چاوز رئیس جمهوری فقید ونزوئلا بعنوان بهترین دوستی یاد کرد که ملت کوبا در طی تاریخ خود داشته است.

کاسترو در مقاله‌یی که روز دوشنبه در روزنامه‌های کوبا منتشر شد، افزود: باوجود آنکه از وضعیت وخیم جسمی چاوز آگاه بودم، اما خبر مرگ او ضربه روحی شدیدی به من وارد کرد.

وی بایبان اینکه فقرا در هر جای جهان باشند، فقیر اند، تصریح کرد: برای ما باعث افتخار بود که با رهبر بولیواری ونزوئلا آرمان‌هایی مشترک در زمینه عدالت اجتماعی و حمایت از استثمارشدگان داشتیم.

رهبر انقلاب کوبا همچنین با یادآوری آرزوهای شخصی چاوز گفت: همیشه به یاد دارم که بسیار با من شوخی می کرد و می گفت وقتی هر دوی ما، فعالیت‌های انقلابییمان را به پایان رساندیم، مرا به قدم زدن در کنار رودخانه آرانوکا در ونزوئلا دعوت خواهد کرد.

وی پس از اشاره به فرازهایی از سخنان خوزه مارتی رهبر استقلال و قهرمان ملی کوبا خاطرنشان کرد: روز ۲۳ جنوری سال ۱۹۵۹ میلادی، ۲۲ روز پس از پیروزی انقلاب کوبا، از ونزوئلا دیدن کردم تا از ملت و دولتش که قدرت را پس از دیکتاتوری مارکو پرز خیمنز بدست گرفته بودند، به خاطر ارسال ۱۵۰ تفنگ در پایان سال ۱۹۵۸ به کوبا قدردانی کنم.

کاسترو یادآوری کرد: در آن زمان گفتم که ونزوئلا میهن سیمون بولیوار رهبر آزادیبخش امریکای جنوبی - معروف به لیبرتادور- است؛ جایی که فکر وحدت ملت‌های امریکا متولد شد. پس، ونزوئلا باید کشوری باشد که وحدت ملت‌های قاره امریکا را رهبری می‌کند و ما کوبایی‌ها از برادران ونزوئلیایی خود حمایت خواهیم کرد.

رهبر انقلاب کوبا گفت: اکنون که از ملت ونزوئلا صحبت می‌کنم، صادقانه و شرافتمندانه می‌گویم که اگر می‌خواهیم (قاره) امریکا را نجات دهیم و اگر می‌خواهیم آزادی هر یک از جوامع خود را نجات دهیم، در واقع بخشی از جامعه بزرگ ما یعنی جامعه امریکای لاتین، ونزوئلا است و باید از آن حمایت کنیم.

فیدل کاسترو تصریح کرد: اگر می‌خواهیم انقلاب کوبا، انقلاب ونزوئلا و انقلاب همه کشورهای قاره خودمان را نجات دهیم، باید به هم نزدیک شویم و قاطعانه از یکدیگر حمایت کنیم زیرا تنهایی و تفرقه، موجب شکست ما خواهد شد.

کاسترو یادآور شد: این جمله‌یی است که من آن روز

گفتم و امروز پس از ۵۴ سال بار دیگر بر آن تأکید می‌کنم. من اکنون فقط باید در فهرست خود، نام دیگر ملت‌هایی را در جهان اضافه کنم که بیش از نیم قرن، قربانی استثمار و چپاول بوده‌اند.

وی با تأکید بر اینکه نبرد هوگو چاوز برای تحقق همین هدف و کمک به استقلال، آزادی و همگرایی ملتها بود، خاطرنشان کرد: چه بسا، خود چاوز نمی‌دانست چقدر بزرگ است. تا پیروزی همیشگی، خدا حافظ ای دوست فراموش نشدنی!

فیدل کاسترو روز پنجشنبه گذشته نیز در دومین روز عزای عمومی کوبا به مناسبت درگذشت هوگو چاوز در اجتماع انبوه مردم سوگوار این کشور در میدان انقلاب هاوانا حضور یافت و به تجلیل از چاوز پرداخت.

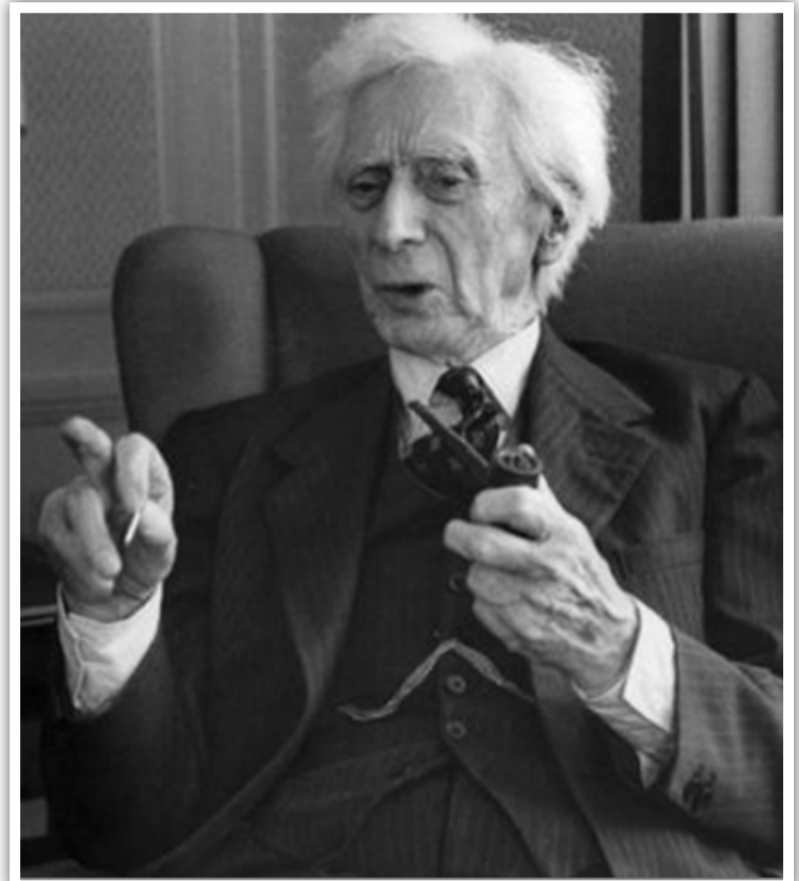
رسانه‌ها از جمله خبرگزاری رویترز گزارش دادند که میدان انقلاب هاوانا پیش از آن فقط یکبار شاهد مراسم مشابهی بود و آن، بزرگداشت ارنستو چه گوارا از رهبران انقلاب این کشور بود که در دهه ۶۰ میلادی در جریان نبردهای آزادیبخش خود در امریکای لاتین جان باخته بود.

بنا به گزارشها، بیش از دو میلیون نفر از مردم کوبا همراه با اشک، شمع و تصویر چاوز، در میدان انقلاب هاوانا و دیگر شهرهای کوبا در روز پنجشنبه یاد او را که در دشوارترین روزهای این کشور همراهشان بود، گرامی داشتند.

چاوز که از او به عنوان بهترین شاگرد مکتب فیدل کاسترو یاد می‌شود و کوبایی‌ها او را همچون فرزند حقیقی خود و قهرمان ملی کشورشان می‌دانند، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۹۰ میلادی که همه کارخانه‌های کوبا تعطیل شد، قطع برق در شبانه روز به ۱۶ ساعت می‌رسید و همه فعالیت‌های اقتصادی کشور مختل شده بود، به کمک مردم آن شناخت و در قبال بهره‌گیری از پزشکان و معلمان کوبایی برای درمان و آموزش مردم ونزوئلا و استفاده از خدمات پزشکی سطح بالای کوبا برای ونزوئلیایی‌ها، روزانه بیش از یکصد هزار بشکه نفت خام با تسهیلات ویژه به این کشور صادر می‌کرد. سطح روابط تجاری، سیاسی و اقتصادی دو کشور در دوران چاوز به گونه‌یی بود که اکنون از ونزوئلا به عنوان بزرگترین شریک کوبا یاد می‌شود.

چه گونه از عقاید احمقانه بپرهیزیم؟

برتراند آرتور ویلیام راسل (زاده ۱۸۷۲ - درگذشته ۲ فبروری ۱۹۷۰) ریاضی‌دان، منطق‌دان و فیلسوف بریتانیایی بود که آثارش در مورد تحلیل منطقی، فلسفه در قرن بیستم را تحت تاثیر قرار داد. برتراند راسل که موفق به کسب جایزه نوبل نیز شد، در گفتاری کوتاه با عنوان «چه گونه از عقاید احمقانه بپرهیزیم؟» به روشنی به آسیب‌شناسی آفات تعصب، جزم و جمود، پیش‌داوری و ... در باورهای آدمی



مدعی باشد که دو + دو می‌شود پنج، یا این که ایسلند در خط استوا قرار دارد، شما به جای عصبانی شدن، احساس دل‌سوزی می‌کنید، مگر آن‌که اطلاعات حساب و جغرافیای شما آن‌قدر کم باشد که این حرف‌ها در افکار شما تزلزل ایجاد کند. اغلب بحث‌های بسیار تند، آن‌هایی هستند که طرفین درباره موضوع مورد بحث دلایل کافی ندارند. شکنجه در ریاضیات به کار نمی‌رود؛ زیرا ریاضیات با علم سر و کار دارد، اما در الهیات تنها عقیده وجود دارد. بنابراین

می‌پردازد: برای پرهیز از انواع عقاید احمقانه‌یی که نوع بشر مستعد آن است، نیازی به نبوغ فوق بشری نیست. چند قاعده ساده شما را اگر نه از همه خطاها، دست‌کم از خطاهای ابلهانه بازمی‌دارد. اگر موضوع چیزی است که با مشاهده روشن می‌شود، مشاهده را شخصاً انجام دهید. ارسطو می‌توانست از این باور اشتباه که خانم‌ها دندان‌های کم‌تری از آقایان دارند با یک روش ساده پرهیز کند: از خانمش بخواهد که دهانش را باز کند تا دندان‌هایش را بشمارد. او این کار

آن افراد و روزنامه‌ها به نظرتان دیوانه، فاسد و بدکار می‌آیند، به یاد داشته باشید که شما هم از نظر آن‌ها همین‌طور به نظر می‌رسید. با این وضع، هر دو طرف ممکن است برحق باشید، اما هر دو نمی‌توانید برخطا باشید. این طرز فکر، زاینده نوعی احتیاط است. برای کسانی که قدرت تخیل ذهنی قوی دارند، روش خوبی است که مباحثه‌یی را با شخصی که دیدگاه متفاوتی دارد، در ذهن خود تصور کنند. این روش در مقایسه با گفت‌وگوی رو در رو، یک فایده و تنها یک فایده دارد و آن این‌که در معرض همان محدودیت‌های زمانی و مکانی قرار ندارد. مهاتما گاندی راه‌آهن و کشتی‌های بخار و ماشین‌آلات را محکوم می‌کرد، او دوست می‌داشت که تمام آثار انقلاب صنعتی را خنثا کند. شما ممکن است هرگز این شانس را نداشته باشید که با شخصی دارای چنین عقایدی روبه‌رو شوید؛ زیرا در کشورهای غربی اغلب مردم با دستاوردهای فناوری‌های جدید موافق‌اند. اما اگر شما می‌خواهید مطمئن شوید که در موافقت با چنین باور رایجی برحق هستید، روش مناسب برای امتحان کردن این است که مباحثه‌یی خیالی را تصور کنید و در نظر بگیرید که اگر گاندی حضور می‌داشت، چه دلایلی را برای نقض نظر دیگران ارایه می‌داد. من گاهی بر اثر این‌گونه گفت‌وگوهای خیالی، واقعاً نظرم عوض شده است؛ به جز این، بارها دریافتم که با پی بردن به امکان عقلانی بودن مخالفان فرضی، تعصبات و غرورم رو به کاستی می‌گذارد.

نسبت به عقایدی که خودستایی شما را ارضا می‌کند، محتاط باشید. از هر ده نفر، ۹ نفر چه مرد و چه زن قویاً معتقدند که جنسیت‌شان برتری ویژه‌یی دارد. دلایل زیادی هم برای هر دو طرف وجود دارد. اگر شما مرد باشید، می‌توانید نشان دهید که اغلب شعرا و بزرگان علم مرد هستند؛ و اگر زن باشید، می‌توانید پاسخ دهید که اکثر جنایات‌ها کار مردان است. این پرسش اساساً حل‌شدنی نیست، اما خودستایی این واقعیت را از دید بسیاری از مردم پنهان می‌کند.

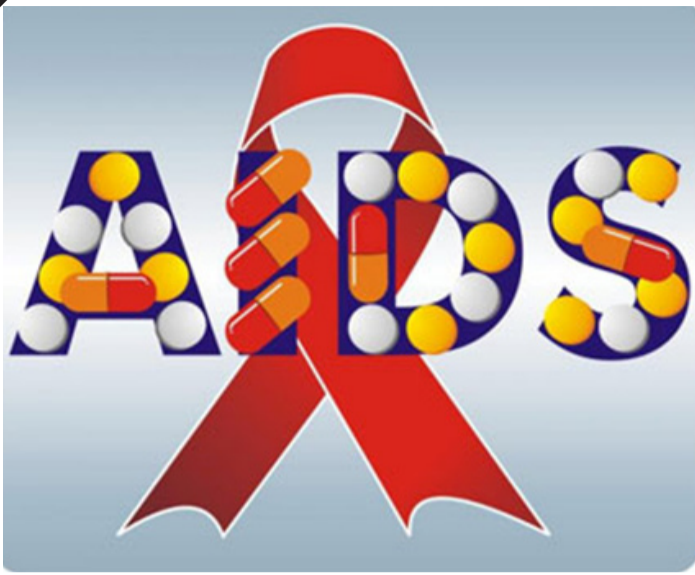
همه ما، اهل هر جا که باشیم، متقاعد شده‌ایم که ملت ما برتر از سایر ملت‌هاست. ما با وجود دانستن این‌که هر ملتی محاسن و معایب خاص خودش را دارد، معیارهای ارزشی‌مان را به گونه‌یی تعریف می‌کنیم که ثابت کنیم ارزش‌های ما مهم‌ترین ارزش‌های ممکن هستند و معایب‌مان تقریباً ناچیز اند. در این‌جا دوباره انسان معقول می‌پذیرد که با پرسشی روبه‌روست که ظاهراً پاسخ درستی

یک راه مناسب برای این‌که خودتان را از انواع خاصی از جزمیت خلاص کنید، این است که از عقاید مخالفی که دوستان پیرامون‌تان دارند، آگاه شوید. وقتی که جوان بودم سال‌های زیادی را دور از کشورم در فرانسه، آلمان، ایتالیا و ایالات متحده به سر بردم. فکر می‌کنم این قضیه در کاستن از شدت تعصبات تنگ‌نظرانه‌ام بسیار مؤثر بوده است. اگر شما نمی‌توانید مسافرت کنید، به دنبال کسانی بگردید که دیدگاه‌هایی مخالف شما دارند. روزنامه‌های احزاب مخالف را بخوانید. اگر یاد داشته باشید که شما هم از نظر آن‌ها همین‌طور به نظر می‌رسید. با این وضع، هر دو طرف ممکن است برحق باشید، اما هر دو نمی‌توانید برخطا باشید. این طرز فکر، زاینده نوعی احتیاط است

هنگامی که پی می‌برید از تفاوت آرا عصبانی هستید، مراقب باشید؛ احتمالاً با بررسی بیشتر درخواهید یافت که برای باورناتان دلایل تضمین‌کننده‌یی ندارید. یک راه مناسب برای این‌که خودتان را از انواع خاصی از جزمیت خلاص کنید، این است که از عقاید مخالفی که دوستان پیرامون‌تان دارند، آگاه شوید. وقتی که جوان بودم سال‌های زیادی را دور از کشورم در فرانسه، آلمان، ایتالیا و ایالات متحده به سر بردم. فکر می‌کنم این قضیه در کاستن از شدت تعصبات تنگ‌نظرانه‌ام بسیار مؤثر بوده است. اگر شما نمی‌توانید مسافرت کنید، به دنبال کسانی بگردید که دیدگاه‌هایی مخالف شما دارند. روزنامه‌های احزاب مخالف را بخوانید. اگر

نگامی که پی می‌برید از تفاوت آرا عصبانی هستید، مراقب باشید؛ احتمالاً با بررسی بیشتر درخواهید یافت که برای باورناتان دلایل تضمین‌کننده‌یی ندارید. یک راه مناسب برای این‌که خودتان را از انواع خاصی از جزمیت خلاص کنید، این است که از عقاید مخالفی که دوستان پیرامون‌تان دارند، آگاه شوید. وقتی که جوان بودم سال‌های زیادی را دور از کشورم در فرانسه، آلمان، ایتالیا و ایالات متحده به سر بردم. فکر می‌کنم این قضیه در کاستن از شدت تعصبات تنگ‌نظرانه‌ام بسیار مؤثر بوده است. اگر شما نمی‌توانید مسافرت کنید، به دنبال کسانی بگردید که دیدگاه‌هایی مخالف شما دارند. روزنامه‌های احزاب مخالف را بخوانید. اگر

را نکرد، چون فکر می‌کرد می‌داند. تصور کردن این‌که چیزی را می‌دانید در حالی که در حقیقت آن را نمی‌دانید، خطای مهلکی است که همه ما مستعد آن هستیم. من باور دارم که خاریشت‌ها سوسک سیاه [=مادرکیک] را می‌خورند، چون به من این‌طور گفته‌اند؛ اما اگر قرار باشد کتابی درباره عادات خاریشت‌ها بنویسم، تا زمانی که بنیمن یک خاریشت از این غذای اشتها کورکن لذت می‌برد، مرتکب چنین اظهار نظری نمی‌شوم. در هر حال، ارسطو کمتر از من محتاط بود. نویسنده‌گان باستان و قرون وسطا، اطلاعات جامعی درباره تک‌شاخ‌ها و سمندرها داشتند. با وجود آن‌که هیچ‌کدام‌شان حتا یک مورد از آن‌ها را هم ندیده بودند، یک نفر هم احساس نکرد لازم است از ادعاهای



بخش نخست

۱۶ نشانه جدی ایدز!

در مراحل اولیه عفونت HIV، هیچ نشانه متداولی وجود ندارد و ممکن است فرد مبتلا اصلاً از وجود بیماری در خود مطلع نباشد. به همین دلیل خیلی مهم است که در مواقع خاص مخصوصاً رابطه جنسی محافظت‌نشده یا استفاده از داروهای درون‌وریدی، حتماً آزمایش بدهید.

بعد از گذشت یک تا دو ماه از ورود HIV به بدن، ۴۰ تا ۹۰ درصد از افراد علائم شبه آنفولانزایی را تجربه می‌کنند که سندرم حاد ویروسی (ARS) نامیده می‌شود. اما گاهی اوقات علائم HIV سال‌ها پدیدار نمی‌شوند، گاهی حتا یک دهه.

در زیر به برخی از علائم وجود HIV در بدن انسان اشاره می‌شود:

۱. تب یکی از اولین نشانه‌های ARS می‌تواند تب خفیف، تا حدود ۱۰۲ درجه فارنهایت باشد.

این تب اگر اتفاق بیافتد، معمولاً با علائم خفیف دیگر مثل خسته‌گی، تورم غدد لنفاوی و گلودرد همراه خواهد بود.

در این نقطه، ویروس به سمت جریان خون در حال حرکت است و شروع به تکثیر به تعداد بالا می‌کند. وقتی این اتفاق می‌افتد، سیستم ایمنی بدن واکنش التهابی نشان می‌دهد.

۲. خسته‌گی

واکنش التهابی سیستم ایمنی بدن انسان می‌تواند باعث شود احساس خسته‌گی و بی‌حالی بروز کند. خسته‌گی می‌تواند یکی از علائم اولیه HIV باشد و هم از علائم آخری آن.

۳. درد عضلانی، درد مفصلی و تورم گره‌های لنفاوی

ARS معمولاً با آنفولانزا، مونونوکلئوز یا سایر عفونت‌های ویروسی، حتا سفلیس و هیاتیت، اشتباه گرفته می‌شود.

جای تعجب نیست که بسیاری از علائم این بیماری‌ها یک‌سان هستند، مثل درد در مفاصل و عضلات و تورم گره‌های لنفاوی.

گره‌های لنفاوی بخشی از سیستم ایمنی بدن شما هستند و زمانی که عفونتی وارد بدن شود، متورم می‌شوند. بسیاری از آن‌ها در زیر بغل، کشاله‌های ران و گردن وجود دارند.

۴. گلودرد و سردرد

درست مثل سایر علائم، گلودرد و سردرد هم فقط در موقعیت جزو علائم ARS تشخیص داده می‌شوند.

اگر اخیراً رفتارهای پرخطر داشته‌اید، انجام تست HIV عاقلانه‌ترین کار است. به‌خاطر خودتان و دیگران این آزمایش را انجام دهید: HIV در مراحل اولیه خود بیشتر عفونی است.

به‌خاطر داشته باشید که بدن هنوز برای HIV پادتن تولید نکرده است، به همین دلیل تست پادتن آن را از بین نمی‌برد. ممکن است هفته‌ها تا ماه‌ها طول بکشد تا پادتن‌های HIV در آزمایش خون مشخص شوند.

۵. جوش و دانه‌های پوستی

جوش‌های پوستی ممکن است هم در ابتدا و انتهای دوره HIV/AIDS پدیدار شود. این جوش‌ها ممکن است در هر نقطه‌یی از بدن فرد مبتلا ایجاد شوند که اگر توضیح و علت دیگری نداشتند، بهتر است حتماً تست HIV انجام دهید.

۶. حالت تهوع، استفراغ و اسهال

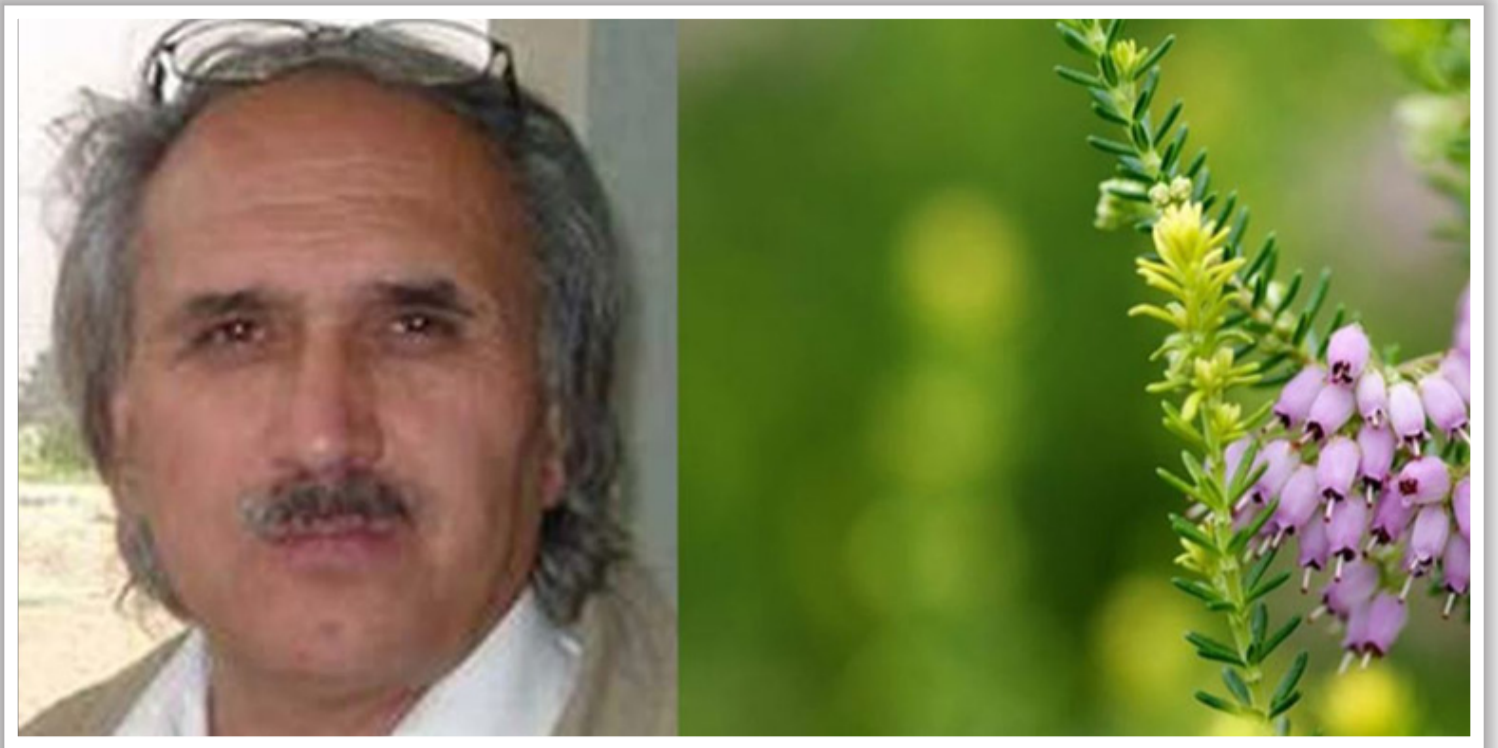
۳۰ تا ۶۰ درصد افراد در مراحل اولیه HIV به حالت تهوع، استفراغ یا اسهال دچار می‌شوند. این علائم هم‌چنین ممکن است در نتیجه درمان ضد ویروسی و بعدها در روند عفونت در نتیجه عفونتی دیگر اتفاق بیافتد. اسهالی که مداوم باشد و به درمان‌های معمول واکنش ندهد نیز می‌تواند نشانه‌یی از این ویروس باشد.

۷. کاهش وزن

کاهش وزن نشانه بیماری پیشرفته‌تر است و می‌تواند در نتیجه اسهال شدید اتفاق بیافتد. اگر در حال کم کردن وزن هستید، یعنی این‌که سیستم ایمنی بدن‌تان بسیار ضعیف شده است. در این وضعیت، بیمار حتا اگر تغذیه خوبی داشته باشد و تا آن‌جا که می‌تواند غذا بخورد، بازهم وزن زیادی کم می‌کند. این مشکل معمولاً در مراحل آخری بیماری اتفاق می‌افتد. این روزها اما با کمک درمان ضد ویروسی این مشکل کم‌تر شده است.

۸. سرفه‌های خشک

این نشانه - سرفه‌های موزی که ممکن است هفته‌ها طول بکشد و به نظر می‌رسد که هیچ‌وقت بهتر نخواهد شد - یکی از متداول‌ترین نشانه‌های بیماری در بیماران مبتلا به HIV که در مراحل پیشرفته بیماری خود قرار دارند، می‌باشد.



پرتو نادری

یک سبد گلِ سپاس برای پاسداران آزادی بیان!

می‌خواهم برای دوستانم چیزی بنویسم؛ اما نمی‌دانم چه‌گونه بنویسم. هجوم عاطفه‌ها گویی جایگاه همه‌واژه‌گان را در ذهن من تسخیر کرده است. اما از همه‌دوستانم سپاس گزارم، از همه‌دوستانی که با من آشنا شد و از همه‌دوستانی که هنوز سیمای عزیزشان را ندیده‌ام و در چهار گوشه‌ی جهان پراکنده‌اند. سپاس دوستان من که اگر پشتیبانی شما نمی‌بود، بدون تردید مافیای تقلب و توطئه، صدای دادخواهان را که بخشی از صدای همه‌گانی شما نیز است، به پشت میله‌های زندان تبعید می‌کرد.

از فدراسیون ژورنالیست‌ان افغانستان و دیده‌بان رسانه‌های آزاد افغانستان سپاس گزارم که با پخش اعلامیه‌ها و راه‌اندازی کنفرانس‌های خبری، نه تنها دستور بازداشت مرا بر بنیاد شکایت بی‌بنیاد داوود علی نجفی وزیر ترانسپورت، یک امر غیرقانونی خواندند؛ بلکه «کمیسون رسیدگی به شکایات و تخلف‌های رسانه‌یی» مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ را نیز نهادی خواندند غیرقانونی و آله دست وزیر در جهت جلوگیری از آزادی بیان و اعمال سلیقه‌های شخصی. دوستان من! سپاس بر شما باد و بر صدای دادخواهان تان که استوار در برابر چنین اقدام غیرقانونی و چنین کمیسون غیرقانونی ایستادید! می‌خواهم بگویم این صدای بلند شما بود که پرچم پرشکوه آزادی بیان را هم‌چنان برافراشته نگه داشت.

از آن شمار نهادهای مدنی کشور که از کابل تا ولایت‌های دوردست، یک‌صدا و هماهنگ در برابر استبداد رسانه‌یی ایستادند و آزادی بیان را پاسداری کردند، با تمام روان و وجدان سپاس‌گزاری می‌کنم. همین نهادهای مدنی در ولایات بودند که با انتشار اعلامیه‌ها نشان دادند که دیگر دوران زورگویی گذشته است. نویسنده‌گانی بزرگوار هم، این دو نوشته‌ی من «رییس‌جمهور آینده را چه کسی انتخاب می‌کند» و «سخنی با رییس‌جمهور و آن ماجرای نجفی» را از دیدگاه‌های حقوقی، معیارها و موازین پذیرفته‌شده‌ی آزادی بیان نقد و بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در این دو نوشته، بر نجفی اتهامی و اهانتی وجود ندارد. سپاس‌گزارم. درود بر قلم‌های شما باد!

از آن نویسندگان و پژوهش‌گران ارجمندی که با اشتراک خویش در گفت‌وگوهای تلویزیونی و رادیویی در برابر نمایندگان سانسور و ناقضان آزادی بیان به گفت‌وگو و مناظره پرداختند و رادمردانه از آزادی بیان دفاع کردند، همیشه و همیشه سپاس‌گزارم.

از هزاران دوست جوان فرهیخته و بزرگان ارجمندی که با پشتیبانی و گذاشتن تصویر من در پروفایل خود و آن شمار دوستانی که با نشر تصاویر چشم‌ودهن بسته خود، دنیای مجازی فیس‌بوک را به آوردگاه بزرگ دادخواهی بدل کرده بودند، سپاس‌گزاری می‌کنم. از آن شمار بانوان عزیزی که در این دنیای مجازی با نوشتن دیدگاه خود، در برابر مافیای استبداد و تقلب که می‌خواستند آزادی بیان را خفه سازند، از من پشتیبانی کردند، سپاس‌گزارم و دسته دسته گل‌های سپاس خود را که رنگین‌تر از هر عاطفه شاعرانه است، نثارشان می‌کنم. سپاس بانوان پاک‌نهاد سرزمین من! اگر دیروز خواهر بزرگ شما روشک در برابر متجاوز شمشیر می‌زد، امروز شما با قلم خویش در برابر استبداد فرهنگی ایستاده‌اید و مبارزه می‌کنید! نام‌تان بشکوه باد!

از تمام آن نشریه‌های غیردولتی کشور و سایت‌هایی

که به زبان‌های فارسی دری، پشتو و انگلیسی صدای دادخواهی مرا به چهارگوشه‌ی جهان رساندند و گزارش‌های وابسته به این رویداد را تا آخرین روزها نشر کردند، سپاس‌گزاری می‌کنم. از آن شمار نمایندگان مردم در پارلمان که از همان نخستین روزها، دستور بازداشت مرا غیرقانونی خواندند و به دادخواهی پرداختند و مرا در برابر سانسورچیان یاری رساندند، سپاس‌گزاری می‌کنم. با این همه تا می‌شنیدم که در این یا آن کشور غربی، هموطنان عزیز با راه‌اندازی گردهمایی‌هایی صدای اعتراض خود را در برابر قانون‌شکنان و زورگویان بلند کرده و به پاسداری از آزادی بیان برخاسته‌اند، حس می‌کردم که بر کوه بزرگی تکیه زده‌ام نه بر چوکی چرخان و لُق چینیایی!

دوستان، من سپاس‌گزار شما هستم. و به شما و به همه‌آن نهادهای فرهنگی و رسانه‌هایی که زمینه‌گفت‌وگوها را در پیوند به این رویداد در کشورهای گوناگون مغرب‌زمین فراهم کردند، سلام می‌فرستم! این صدای شما بود که شماری از سازمان‌های جهانی دفاع از آزادی بیان و حقوق بشر را متوجه این امر ساخت. وقتی صدای رسای پشتیبانی شما را از این یا آن کشور جهان می‌شنیدم، حس می‌کردم که صدای من دیگر تک‌دردختی نیست در بیابانی دور، بلکه صدای من با جنگل انبوه صداهای جهانی پیوند خورده است. هر تک‌دردختی را می‌توان از ریشه برکنند؛ اما جنگل انبوهی را که ریشه‌ها و شاخه‌هایش در سراسر جهان پخش شده است، نمی‌توان از ریشه برکنند!

از چهارگوشه‌ی سرزمینم تلفون می‌گرفتم و بعد صدای یک هموطن و بیان پشتیبانی، و چنین نیز از چهارگوشه‌ی جهان، از دوستانی که با روشنی به من می‌گفتند: آقای نادری! هدف ما تنها تو نیستی؛ ما مسوولیت داریم از آزادی بیان، دموکراسی و یک امر مدنی دفاع کنیم، زیرا سکوت در برابر این تعدی، برای یک شهروند آگاه نه تنها شایسته نیست، که پرسش‌برانگیز است!

در سخن این دوستان، درس بزرگی نهفته است. درود بر شما!... من به این شأن شهروندی‌تان حرمت بی‌پایانی دارم و برای شما سلام می‌فرستم!

بنویسم که در دفاع از حقیقت در برابر زورگویی و یک اقدام غیرقانونی ایستادند و پیروز شدند. دوستان بزرگوار، خبرنگاران عزیز، شاعران و نویسندگان ارجمند، دانشمندان گران‌قدر، بانوان عزیز و همه‌دوستانی که به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم از حقانیت نوشته‌ی من در برابر نظام حمایت کردید، در هر کجایی که هستید، برای‌تان کامگاری آرزو می‌کنم! می‌خواهم دستان یکایک شما را بوسم، دستانی را که تنها بر مدار حقیقت قلم می‌کشند! صدای‌تان را رسا می‌خواهم. من پژواک افتخارآفرین صدای شما را از چهارگوشه‌ی جهان شنیدم، و این صدای شما بود که آواز نارسای مرا به چهارگوشه‌ی جهان رساند!

بار دیگر به شما دوستان گران‌قدر می‌گویم: ما به هیچ قبیله‌یی پیوندی نداریم. قبیله‌یی که ما را به هم پیوند داده، همانا قبیله‌ی قلم است؛ قلمی که خداوند به آن سوگند یاد کرده. این قلم و نوشتن است که ما را به هم پیوند می‌زند. استوار و جاودانه باد این پیوند!

با این همه یکی دو نکته‌ی هست که باید بگویم. من در این میان، دریافتم که دوستانی خود را به کوچه‌ی حس‌چپ زدند که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است، اگر هم افتاده، چرا باید خود را به دردسر انداخت. آن‌ها سکوت کردند به‌مانند سکوت شماری از نهادهای مدنی وابسته به سازمان‌های امداد جهانی، که تمام تفکر مدنی‌شان وابسته به دایره‌ی تنگ یک «پروژه» است و اهدافی که سازمان‌های امداد‌رسان می‌خواهد آن را به وسیله‌ی چنین نهادهایی پیاده کند. و به همین‌گونه، تمام دادخواهی‌شان وابسته به «پروژه‌ی حقیر» است که یک سازمان امداد غربی داده است. آن‌ها سکوت کردند و صدایی برنیوردند. در این میان، خاموشی آن نهاد فرهنگی که من خود یکی از پایه‌گذاران آن بودم و نخستین رییس دوره‌یی آن، برایم بسیار پرسش‌برانگیز است! در حالی که عمده‌ترین مسوولیت این نهاد فرهنگی، دفاع از حقوق نویسندگان و شاعران است! و دفاع از آزادی بیان!

شماری هم با استفاده از وضعیت پیش‌آمده، به عقده‌گشایی‌ها پرداختند. سخنان و نوشته‌های چرکینی را به سوی من جاری ساختند که چنان نوشته‌هایی تنها می‌تواند تعریف خود آن‌ها باشد. سایت‌هایی را شناختم که با جود همکاری‌های درازی که با آن‌ها داشتم، در این مدت زمان نه تنها از نشر نوشته‌های من، بلکه از نشر اعلامیه و گزارش‌های وابسته به این رویداد دوری

جستند. یک بار دیگر می‌خواهم بگویم که ای دوستان سرافراز! اگر حمایت شما نمی‌بود و حقانیت نوشته‌ی من؛ داوود علی نجفی که باری جایی گفته بود تا پرتو نادری را به زندان نیاندازم، آرام نخواهم نشست. هرگز و هرگز حاضر نمی‌شدم که به کمیسون نام‌نهاد «رسیده‌گی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌یی» بروم و بگویم که: «من هیچ‌گونه ادعایی علیه پرتو نادری ندارم». این در حالی‌ست که او از چندماه بدین‌سو مرا شکنجه کرده بود. او شکایتش را پیوست نامه رسمی به لوی سارنوالی افغانستان فرستاده بود تا مرا مورد پیگرد قرار دهند که چنین هم شد.

من به داوود علی نجفی هیچ اتهامی ندهام و اهانتی هم نکرده‌ام؛ تمام اتهام‌ها علیه او در مکتوب شماره ۱۴/۲۰۴ هجدهم سرطان ۱۳۹۰ ریاست عمومی سمع شکایات و عرایض ریاست‌جمهوری، به امضای اسدالله وفا وزیر مشاور و رییس این اداره، وارد شده است. آن اتهام‌ها هم چنان پابرجاست. حق دعوی من در برابر نجفی نیز پابرجاست، من این حق را دارم هر زمانی که بخواهم، دعوی حق خود را به‌راه اندازم! من در یک موقع مناسب چنین خواهم کرد. من به حیث یک شهروند نه تنها هنوز خواهان بررسی آن نامه هستم، بلکه می‌خواهم بگویم که این حق را دارم تا بر نجفی دعوی‌یی به‌راه اندازم که چه‌گونه بر من ادعایی بی‌بنیاد به‌راه انداخت و شکنجه روحی‌ام کرد. او بر من اهانتی روا داشته است که باید روزی پاسخ آن را بدهد!

این روزها آژانس‌های خبری‌یی را شناختم که با آمیختن دروغ با حقیقت، گونه‌ی دیگر گزارش‌دهی یعنی گزارش سفسطه را ایجاد کرده‌اند. این آژانس‌های وابسته به نجفی گفته‌اند که گویا نجفی از حق دعوی خود گذشت!!! من می‌پرسم کدام حق! این حق مردم است که هم‌چنان بر شانه‌ی سنگینی می‌کند. او چه امروز، چه فردا و چه پس فردا ناگزیر از آن خواهد بود که در برابر

وقتی صدای رسای پشتیبانی شما را از این یا آن کشور جهان می‌شنیدم، حس می‌کردم که صدای من دیگر تک‌دردختی نیست در بیابانی دور، بلکه صدای من با جنگل انبوه صداهای جهانی پیوند خورده است. هر تک‌دردختی را می‌توان از ریشه برکنند؛ اما جنگل انبوهی را که ریشه‌ها و شاخه‌هایش در سراسر جهان پخش شده است، نمی‌توان از ریشه برکنند!

دادگاه تاریخ، نسبت به عمل‌کرد و گفته‌های خود که در آن نامه بر وی وارد شده است، پاسخ گوید. تاریخ هنوز به پایان نرسیده است!

شکایت نجفی بر من به تمثیل همان مرد خردمند! در مثنوی معنوی می‌ماند که سایه پرنده‌یی را دیده بود، آن را دو دسته محکم گرفته بود که پرنده‌یی را شکار کرده‌ام؛ حال آن‌که پرنده بر سر درخت بود و تا پرنده پرواز کرد، دیگر سایه در دست آن خردمند! نبود.

با این همه می‌خواهم صادقانه بگویم که از هیچ کسی و هیچ نهادی گرد ملالی بر خاطر ندارم، حتا آن‌هایی که با نوشته‌های چرکین‌شان گویا خواستند مرا اهانت کنند. در حقیقت آن‌ها درون خود به راه تماشای گذاشتند. نمی‌توان انتظار داشت که همه‌گان یک‌گونه بیان‌دیشند. پرنده‌گان همه پرواز می‌کنند، اما اوج پرواز و دوری پرواز، وابسته به نیروی بال‌های هر پرنده است؛ همان‌گونه که انسان‌ها همه داوری می‌کنند، اما چه‌گونه‌گی داوری‌ها وابسته به اندیشه و خرد انسان‌هاست.

نکته‌ی آخرین این‌که: نمی‌دانم نجفی با چه انگیزه‌هایی از من به لوی سارنوالی شکایت کرد و خواست مرا به زندان افکند. این سخن باشد به جای خود؛ اما آن کسی که خواست مرا بیشتر شکنجه دهد، نه پولیس بود و نه سارنوالی؛ بلکه مخدوم رهین و کمیسون غیرقانونی او بود. من اخیراً در پیوند به قانون‌شکنی‌های وزیر اطلاعات و فرهنگ و مدیریت آن‌چنانی او، اعمال سانسورهای سلیقه‌یی‌اش بر شماری از برنامه‌های تلویزیون دولتی، و هم‌چنان در پیوند به بی‌اعتنایی‌های او نسبت به بزرگ‌ترین برنامه ملی افغانستان، یعنی آماده‌گی شهر غزنی برای دریافت لقب پایتخت تمدن کشورهای اسلامی، نوشته‌هایی را به نشر رسانده بودم. اما شنیدم که بر تخته مشق آزادی بیان افغانستان، یعنی جبین مخدوم رهین، درزهایی ایجاد شده است. ماجرای نجفی مناسب‌ترین فرصت را برای وی پدید آورد تا از من انتقام بگیرد. این را برای آن نوشته‌ی من که او و کمیسون نام‌نهادش با ادامه کار غیرقانونی خود، به نیروی بزرگ تهدید آزادی بیان بدل شده‌اند. با سپاس و درود فراوان به تمام اهالی قلم که گاهی هم بر مدار نیت زورمندان قلم نمی‌کشند!

حقیقت پیروزی می‌شود، این وعده خداوند است!
حوت ۱۳۹۱
شهر کابل

مالیخولیای رییس جمهور

و هم کاسه گی طالبان با امریکا

احمد عمران

سخنان پرابهام و تشویش آمیز آقای کرزی، به موجی از نگرانی‌ها در سطح ملی و بین‌المللی دامن زده است. آقای کرزی در یک سخنرانی نه چندان بی‌پیشینه یک بار دیگر ترک تازی هایش را در برابر جامعه جهانی و حرکت‌های ملی در دورن جامعه به نمایش گذاشت. آقای کرزی در این سخنرانی که به مناسبت هشتم مارچ روز جهانی زن ایراد شد، به گونه غیرعقلانی، امریکایی‌ها را با طالبان دست در یک کاسه معرفی کرد و گفت که سران طالبان در کشورهای غربی و حاشیه خلیج فارس، با امریکایی‌ها در حال گفت‌وگو و مذاکره‌اند. آقای کرزی در ادامه خطبتهای سیاسی‌اش، برخی طالبان را «وطن‌دوست» خواند. طالبانی که گویا با ایشان نزدیکی‌هایی هم دارند.

رییس‌جمهوری ضمن انتقاد از حملات انتحاری در افغانستان به وسیله گروه طالبان، مدعی شد که این گروه با چنین اقدام‌هایی تلاش می‌کند که حضور امریکایی‌ها در افغانستان تداوم یابد. از فحواي گفته‌های آقای کرزی این‌گونه فهمیده می‌شد که گویا ایشان شواهدی در اختیار دارند مبنی بر این‌که طالبان با امریکایی‌ها توافق کرده‌اند که آتش جنگ در افغانستان را برای ادامه حضور این کشور شعله‌ور نگه دارند.

این اظهارات، واکنش تند مقام‌های ناتو و امریکایی را به دنبال آورد و فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، ضمن رد اظهارات آقای کرزی، این‌گونه سخنان و برداشته‌ها را اشتباه‌آمیز عنوان کرد.

کشتی نرم آقای کرزی که حالا به جنگ تن به تن با جامعه جهانی تبدیل شده، سابقه‌ی چندساله دارد و هر از گاهی که رییس‌جمهوری نسبت به برخی مواضع کشورهای غربی در برابر خود ناراحت شود، انتقادهایش از این کشورها شدت می‌گیرد. آقای کرزی هیچ‌گاه برای چنین گفته‌هایی که خلاف عرف دیپلماتیک ابراز می‌شوند، سند و مدرک ارایه نکرده است. او گاهی از امریکا تمجید می‌کند و گاه این کشور را متجاوز می‌خواند. و این در حالی‌ست که شخص آقای کرزی با امریکا و برخی کشورهای

دیگر غربی، توافق‌نامه‌های راهبردی امضا کرده است. کاش برخورد‌های آقای کرزی با جامعه جهانی، صبغه ملی و میهنی می‌داشت زیرا از چنین سیاست‌هایی مردم افغانستان با جان و مال خود دفاع می‌کنند؛ ولی از آنجایی که چنین موضع‌گیری‌ها برخاسته از منافع گروهی و تباری آقای کرزی است، سبب نگرانی در سطح جامعه می‌شود. آقای کرزی فکر می‌کند با چنین سخنان پوپولیستی و عوام‌فریبانه می‌تواند اذهان عمومی را به بازی بگیرد و در این میان، خودش برنده میدان باشد.

آقای کرزی این روزها نگران آینده سیاسی خود است. آینده‌ی که به‌شدت در حاله‌ی ابهام قرار گرفته است. آقای کرزی با وارد کردن فشار بر جامعه جهانی، می‌خواهد به همان نتایج دست بیابد که در دو انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری به آن‌ها دست یافت. به گفته بسیاری از آگاهان سیاسی، طرح آقای کرزی برای باقی ماندن در قدرت، با واکنش تند جامعه جهانی و به‌ویژه امریکا روبه‌رو شده است. به گفته این آگاهان، در ماه‌های اخیر، امریکا به آقای کرزی هشدار داده است که به هیچ صورت نمی‌تواند در قدرت باقی بماند و یا این‌که افراد خانواده خود را نامزد انتخابات کند. درد آقای کرزی از این‌جا آغاز می‌شود ولی در حاله‌ی از فراق‌کنی‌ها مثل همدست بودن طالبان با امریکایی‌ها تبارز پیدا می‌کند.

آقای کرزی سیاست‌مداری شکست‌خورده و منزوی است. سیاست‌مداری که در طول ده سال گذشته، اشتباهات فراوانی را در عرصه ملی انجام داده است. آقای کرزی می‌داند که نبود او در قدرت پیامدهایی دارد. این پیامدها می‌تواند حتی به گفته برخی آگاهان تا کشتاندن او به دادگاه نیز ادامه یابد. آقای کرزی ضمن این‌که نگران آینده سیاسی تیم خود در افغانستان است، نگران وضعیت شخص خود پس از کنار رفتن از قدرت نیز می‌باشد. این‌ها می‌توانند عوامل و انگیزه‌های اظهارات ضد غربی و ضد امریکایی آقای کرزی باشند.

از سوی دیگر، وقتی آقای کرزی می‌گوید که برخی «طالبان وطن‌دوست» برای او از جریان‌های پشت پرده خبر می‌دهند، منظور او از طالبان وطن‌دوست کی‌ها هستند؟ آیا آنانی که بمب‌گذاری می‌کنند و انسان‌های

بی‌گناه را می‌کشند، جزو طالبان وطن‌دوست‌اند؟ آقای کرزی با این سخنان که باید آن‌ها را جزو پریشان‌گویی‌های سیاسی او دانست، نه تنها به روشن شدن وضعیت کمک نمی‌کند، بل وضعیت را به سمت وخامت و ایجاد تشویش در اذهان عمومی سوق می‌دهد. آقای کرزی عملاً از طالبانی که با او دست در یک کاسه اند و هیچ فرقی با دیگر طالبان ندارند، اتهام‌زدایی می‌کند و می‌خواهد حتی در هماهنگی با آن‌ها دست به کودتای سفید بزند. ولی وقتی گفت‌وگوها از سوی کشورهای دیگر انجام می‌شود، آقای کرزی آن را حرکتی در جهت ادامه حضور کشورهای عضو ناتو در افغانستان تعبیر می‌کند.

البته بحث بر سر حضور نیروهای خارجی در افغانستان نیست. کاش افغانستان به آن مرحله از توانایی‌های نظامی و اقتصادی دست می‌یافت که به هیچ کشور و نهادی نیازمند نباشد. ولی واقعیت چیز دیگری است. واقعیت این است که آقای کرزی و گروه حاکم بر ارگ ریاست‌جمهوری، در ده سال گذشته این فرصت را از مردم افغانستان گرفتند. افغانستان در یک دهه گذشته این فرصت را به دست آورده بود که ضمن نهادسازی‌های سیاسی، از بعد اقتصادی و نظامی نیز توانمند شود؛ ولی عملاً آقای کرزی با فرصت‌سوزی، معامله‌گری، تقلب و سپردن وظایف کلان به افراد بدون کارایی و تجربه، کشور را وارد چرخه بحران کرد. آن‌هم بحرانی فراگیر و ریشه‌ی که بدون درایت و تدبیر ملی نمی‌توان اثرات خطرناک آن را از جامعه پاک کرد.

گفت‌وگوهای صلح اگر به وسیله امریکایی‌ها صورت گیرد، از نظر آقای کرزی مشکل دارد؛ اما باید پرسید که خودش در این عرصه چه دستاورد افتخارآمیزی دارد. مگر همین چند روز پیش معاون دوم ریاست‌جمهوری از روند غیرشفاف کار شورای عالی صلح انتقاد نکرد؟

آقای کرزی دچار توهم و بیماری مالیخولیا شده و فکر می‌کند که آن‌چه او می‌گوید، مردم قبول خواهند کرد. شاید آقای کرزی به این گفته ادولف هیتلر توجه کرده که می‌گفت: «دروغ هر قدر بزرگ‌تر باشد، مردم زودتر آن را باور می‌کنند».

گونه دورنمای صلح و راه حل‌های سیاسی باید تحت رهبری افغان‌ها باشد.

همچنین جنرال جوزف دانفورد، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان پیشتر از سخنرانی آتشین حامد کرزی به شدت انتقاد کرد و مجبور شد همکاری امریکا را با طالبان رد کند.

وی خاطر نشان ساخت: من نمی‌دانم که چرا حامد کرزی این گونه عمل کرده است من حدس می‌زنم که شاید دیدگاه وی این است که انتشار علنی این اختلافات ثمر بخش است اما من می‌گذارم اگر که این واقعا مفید است دیگران درباره آن قضاوت کنند. همچنین حامد کرزی روز یکشنبه با صدور دستوری برای ممنوعیت حضور نیروهای بین‌المللی در دانشگاه‌های افغانستان پس از گزارش‌ها در خصوص آزار و اذیت دانشجویان یک نقطه اختلاف دیگر را علنی کرد.

از سوی دیگر، قرار بود روز شنبه کنترل شبه نظامیان زندانی در زندان پایگاه هوایی بگرام به نیروهای داخلی واگذار شود، اما این اتفاق به دلیل اختلافات در آخرین دقیق رخ نداد.

کند، این امر باید به صلاحیت همه افغانستان باشد. یوناما می‌گوید که اگر گفت‌وگوها را با طالبان آغاز کند گام نخست این خواهد بود که گروه طالبان باید مطابق با اصول بین‌المللی حفاظت از جان و مال غیر نظامیان افغان را مطابق با اصول بین‌المللی تنظیم کند. او می‌افزاید: «گام نخست این گفت‌وگوها کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حفاظت از مال و جان غیر نظامیان در جریان جنگ‌ها آغاز می‌شود، یوناما آماده است در این زمینه با طالبان گفت‌وگو کند».

فرمان کرزی عامل مرگ...

دستور محدودیت حمایت هوایی توسط نیروهای ناتو را صادر کرد.

این فرمانده خاطر نشان کرد سربازان شجاع افغان تا آخرین گلوله خود با شورشیان جنگیدند. طالبان یازده سرباز را نیز ربودند که بعداً آزاد شدند.

به گفته وی، بدخشان یک منطقه کوهستانی است، حتی حدود دوازده مخالف مسلح نیز می‌تواند به تنهایی جان هزاران سرباز را در معرض خطر قرار دهند.

وی افزود، اگر حمایت هوایی ناتو به موقع انجام می‌شد بسیاری از این سربازان نجات می‌یافتند.

کشتار غیرنظامیان ناشی از حملات هوایی ناتو به یک چالش بین کرزی و حامیان غربی وی تبدیل شده است. نیروهای تحت رهبری ناتو قرار است تا پایان سال دو هزار و چهارده به ماموریت خود در افغانستان پایان دهند و مسوولیت امنیت کشور را به نیروهای داخلی واگذار نمایند.

کشته‌شدن شماری از...

ولایت وردک نیروهای ویژه اند.

چندی پیش حامد کرزی، رییس جمهوری افغانستان از نیروهای ویژه امریکا خواست که ولایات وردک و لوگر را ترک کنند.

روز گذشته مهلت تعیین شده از سوی حامدکرزی، برای خروج نیروهای امریکایی از ولایت وردک به پایان رسید.

سال گذشته نزدیک به ۶۰ سرباز ناتو در حملات این چنینی کشته شدند.

ما در کنار افغانستان...

سوی افراد مربوط به نیروهای امریکایی از داخل دانشگاه به گونه غیرقانونی برده شد، این عمل را تخطی از اصل احترام به حاکمیت ملی افغانستان دانست.

آقای کرزی تأکید کرد که نیروهای خارجی باید حساسیت‌های مردم افغانستان را در این خصوص درک کنند.

رییس‌جمهور تصریح نمود که هرگونه رابطه دوجانبه باید بر اساس اصل احترام به حاکمیت ملی یکدیگر استوار باشد و منافع دو کشور در آن در نظر گرفته شود.

این دو مقام کابل و واشنگتن در باره گفت‌وگوهای صلح با طالبان، انتقال مسوولیت‌های امنیتی زندان بگرام و برخی مسائل مهم دیگر، نیز گفت‌وگو کرده اند.

دامن‌زدن به اختلافات...

سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، سهمی ندارند.

رییس جبهه ملی، از تمام مجاهدین خواست که برای بدست‌آوردن حق شان در انتخابات آینده ریاست جمهوری بسیج شوند.

بسم الله محمدی، وزیر دفاع ملی نیز در این مراسم، گفت که گروه طالبان یک جریان مستقل نیست، بل که این گروه، وابسته به خارجی‌ها است.

آقای محمدی تأکید کرد که جنگ کنونی در افغانستان، راه حل نظامی ندارد، بل که باید از راه‌های مسالمت‌آمیز این بحران حل شود.

وزیر دفاع ملی با انتقاد از کسانی که در شرایط کنونی، بحث شمال و جنوب را مطرح می‌کنند، تأکید کرد که دامن زدن به مسائل منطقه‌ی و قومی خیانت ملی به حساب می‌آید.

جنرال سیدخیلی

جنرال عبدالرحمان سیدخیلی یکی از شجاع‌ترین فرماندهان جهاد و مقاومت بود. او سال‌ها برضد طالبان و القاعده مبارزه کرد و بالاخره در راستای تأمین صلح و ثبات در کشور جام شهادت نوشید.

جنرال سیدخیلی در سال‌های اخیر، به حیث فرمانده امنیه ولایت‌های پروان، بغلان و کندز ایفای وظیفه نموده بود.

او هنگامی مسوولیت فرماندهی امنیه کندز را برعهده گرفت که کندز به یکی از ولایت‌های نا امن در شمال کشور تبدیل شده بود.

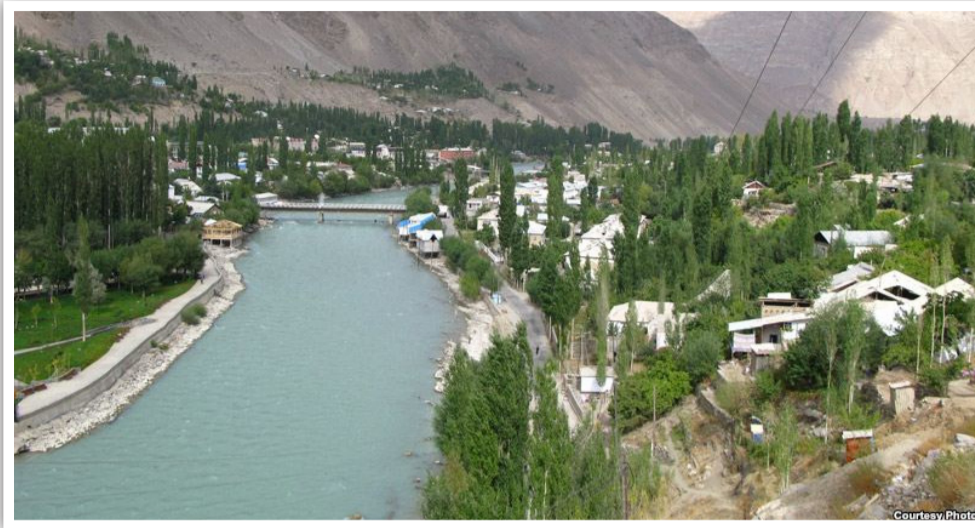
جنرال سیدخیلی با تمامی توان در راستای تأمین امنیت این ولایت با طالبان و گروه‌های مخالف مسلح دولت مبارزه کرد و کندز را به یکی از ولایات امن در شمال تبدیل کرد.

سال گذشته نیز از نخستین سالگرد شهادت جنرال سیدخیلی در کابل با حضور صدها تن گرامی داشت به عمل آمده بود.



معمای بحران امنیتی بدخشان

اسلام پور



دو سال پیش، مسوولان حکومتی، بدخشان را در فهرست ولایات امن قلمداد می کردند و مقام های محلی، فاخرانه از امنیت و آرامش مردم این ولایت در رسانه ها حرف می زدند که گویا مسوولان بدخشان نسبت به مقامات امنیتی دیگر ولایات، در تأمین امنیت مردم توانمندتر و کوشاترند. اما دیری نپایید که این ولایت نیز به گونه سازمان یافته دچار ناامنی شد و اخیراً برای اولین بار رسانه ها اعلام کردند که اعضای یک گروه کمک رسان خارجی در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان، توسط افراد ناشناس به قتل رسیده اند.

پس از آن، حرف و حدیث های زیادی از این ولایت به رسانه ها درز کرد و در فرصتی بسیار کوتاه در ولسوالی های تگاب، کشم، درایم، وردوج، جرم و برخی مناطق دیگر بدخشان سروکله طالبان پیدا شد. اکنون پرسش اساسی این است که چه گونه بدخشان ناامن شد؟

نگارنده به این باور است که دو دلیل عمده، سبب طالبانی شدن ولایت بدخشان گردیده است.

یک، حضور طالبان در بدخشان یک پروژه سازمان دهی شده است که حلقاتی از درون نظام حاکم و برخی از نماینده گان بدخشان در مجلس، برای تأمین منافع فردی و تیمی شان، طالبان را به عنوان ابزار به میدان کشیده اند. این گروه های سودمحور از احساسات مذهبی و دینی آن ها سوء استفاده کرده، دامنه نامنی ها را به گونه رازناک در این ولایت گسترش داده اند.

حال طالبان خارجی با استفاده از این وضعیت، در هماهنگی با طالبان محلی و شاید شماری از ناراضیان از حکومت در بدخشان، علم مخالفت بلند نموده اند. آنان اکنون به یک مجموعه کلان و مهارناپذیر تبدیل شده و

در سایه حمایت دست های پنهان برخی ها رشد کرده اند. چندماه پیش جهت تهیه یک گزارش تحقیقی پیرامون بررسی وضعیت امنیتی بدخشان، با مقام های بلندرتبه و برخی از نماینده گان این ولایت در مجلس، مصاحبه یی داشتم. از یک نماینده مجلس پرسیدم «برخی ها شما را متهم به دست داشتن در تقویت طالبان در ولسوالی تگاب کشم می کنند، نظر شما در این باره چیست؟» این نماینده بدخشان، بدون مکث گفت: طالبان خوب کرده اند به ولسوالی کشم آمده اند.

با شنیدن این حرف، مو بر تنم راست شد و با خود گفتم، این سخن از فاجعه یی تازه خبر می دهد. یعنی پاسخ او بیانگر این بود که به زودی نظم و امنیت در ولایت بدخشان به سان ولایات جنوبی کشور، مختل خواهد شد.

ساختار بسیار بزرگ که اعتبار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد، بیرون آید. اگر میکانیزم تطبیق این طرح را ما فراهم سازیم، آجندای ملی می تواند نتیجه بدهد.

پرسش: تصور می کنید چنین آدرس کلانی روی چنین طرحی شکل بگیرد، آیا فرصت ها مساعد است؟
پاسخ: فرصت مساعد است که باید همه در این راستا همکاری کنند، باید از چنین طرح هایی درک داشته باشند.
پرسش: سال ۲۰۱۴ به عنوان یک سال پر از ابهام پیش روست؛ شما هم در مقدمه خویش به سال ۲۰۱۴ اشاره داشتید، برداشت تان از وضعیت در سال ۲۰۱۴ چه گونه است؟

پاسخ- من یگان وقت در مسایل خوش باور استم. با تلاش هایی که جریان دارد نمی گذاریم که این چرخ ها در سال ۲۰۱۴ به سمت غلط حرکت کند. من اصلاً معضل افغانستان را در افزایش و کاهش نیروهای نظامی نمی دانم، من همیشه می گویم این یک وسیله بسیار کوچک است؛ وسیله بزرگ می تواند چرخ را در سال ۲۰۱۴ تغییر بدهد که آن توجه جدی به مسایل سیاسی در کشور است. ابزار سیاسی عبارت از اداره است. تلاش سیاسی تنها این نیست که برویم مذاکره و مصالحه کنیم. مخالفان مسلح ما در داخل ائتلاف و شورای همکاری احزاب تمامی فشارهای مان را به کار بسته ایم که تا موفق شویم در افغانستان یک اداره سالم در سال ۲۰۱۴ ایجاد شود.

خلایب که از نقطه نظر نیروهای امنیتی وجود دارد، با تشکیل یک حکومت مبتنی بر اراده مردم، پر می شود. ما هیچ وقت دشمنان خود را قناعت داده نمی توانیم. تا هنگامی که در نخست در محدوده جغرافیایی خودمان، اول به ساختن خود ما فکر نکنیم. پاکستان را که نزدیک ترین همسایه ماست، قناعت داده نمی توانیم. تلاش ما این باشد که بعد داخلی را آماده کنیم و حکومت داری خوب را به وجود آوریم و در آخر از این جغرافیا پاسداری و حراست نماییم.

پرسش: شما همواره از نتایج انتخابات گذشته انتقاد کرده اید و حکومت را متهم به دست کاری در آن انتخابات نموده اید. حالا چه قدر باور دارید که آقای کرزی انتخاباتی را برگزار کند که عاری از تقلب باشد؟

پاسخ: من در وجود آقای کرزی و تیم او، اصلاً اعتقاد به قانون را نمی بینم. این ها عقیده به دموکراسی و قدرت مردمی ندارند. آنچه را که در انتخابات گذشته کرده اند، فعلاً هم به همان فکر هستند. آن ها خلاف خواست مردم افغانستان و نامشروع به اریکه قدرت تکیه زده اند. تاهنوز کوچک ترین گامی برای برگزاری یک انتخابات شفاف، مستقل و همگانی برداشته نشده است. نه زمینه توزیع تذکره الکترونیکی را درست فراهم کرده اند و نه هم زمینه کارت های جدید رأی دهی را. حتا قانون تشکیل و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخاب نیز آماده نشده است.

چالش های امنیتی همچنان به شدت وجود دارد. دو سه

دو، ضعف مدیریت و ناکاره گی مقام های محلی، علت اصلی حضور طالبان در بدخشان است. والی و فرمانده امنیه این ولایت در برابر عملکرد باندها و گروه هایی که امنیت و آرامش مردم را برهم می زنند سکوت کرده اند. سال جاری در یک تماس تلفونی از والی در مورد ناامنی ولسوالی های تگاب کشم، وردوج و برخی از نقاط دیگر پرسیدم. او گفت: «در ولسوالی های نام برده طالبان حضور ندارند، بلکه نزاکت های درونی مردم است.»

گفتم: جناب! نقش شما به عنوان والی این ولایت در تأمین امنیت چیست؟ او بدون هیچ استدلال عقلانی پاسخ داد: «این جار و جنجال ها برمی گردد به یک سری نزاکت های محلی.»

من از این پاسخ ساده انگارانه والی بدخشان شگفت زده

سال است که کمیسویی به گونه احساساتی و بدون برنامه، مسأله انتقال مسوولیت های امنیتی را دنبال می کند. یک روز فرمان انتقال مسوولیت ها در میدان وردک را می دهد و روز دیگر فرمان انتقال در لوگر را. ادعاهای شان هم این است که ۸۰ درصد پروژه انتقال موفقانه پیش رفته است! معلوم دار است که هنوز رهبری کشور با عصبانیت پیش می رود.

دولت باید برنامه و پلانی برای برگزاری انتخاباتی شفاف می داشت که تا اکنون نداشته است؛ ما به یقین و بدون شک و تردید می گویم که این ها نمی خواهند که انتخابات برگزار شود.

اگر شورای همکاری احزاب و مردم افغانستان در زیر یک چتر هم دست و هم صدا نباشند و جلو خودکامه گی های دولت را نگیرند، انتخابات شفاف برگزار نخواهد شد.

پرسش: با چنین وضعیتی، اگر انتخابات برگزار شود و شما مطمئن نباشید که این پروژه عاری از تقلب باشد، به نظر شما کاندیدای ائتلاف ملی در انتخابات شرکت می کند؟
پاسخ: ما در حال حاضر با همکاری شورای همکاری احزاب می کوشیم که صدای مان را به گوش مردم برسانیم؛ احتمالاً اگر فهمیدیم که انتخابات شفاف در این جا برگزار نمی شود و یک تقلب سازمان یافته صورت می گیرد، در آن صورت به گزینه های دومی فکر می کنیم که آن، اعتراض مدنی، تظاهرات و اعتصاب است.

پرسش: یک برداشت عمومی در سطح جامعه وجود دارد و آن این که گفت و گو با طالبان با هر روشی که صورت گیرد، نتیجه بخش نیست؛ باید دولت افغانستان با پاکستان وارد گفت و گو شود. اما هیچ گاهی صدایی از طرف حکومت افغانستان در برابر حکومت پاکستان بلند نمی شود و همواره طالبان را به عنوان نیروهای مستقل سیاسی معرفی می کنند و با آن ها وارد گفت و گو می شوند، نظر شما در این باره چه است؟
پاسخ: دولت افغانستان امکانات بسیار خوبی را در یازده سال گذشته از دست داده است. برای حل مشکل کشور هیچ نوع فشار اصولی و پی گر در برابر پاکستان وجود نداشت. در مدت یازده سال همه در برابر نیروهای وحشت و دهشت که در داخل پاکستان رشد کرده اند، خاموش نشستند. دولت مردان و مردم افغانستان در برابر رشد شبکه های هراس افکن خاموشی اختیار کرده اند؛ هیچ گاهی به آدرس پاکستان دولت و مردم ما به درستی مراجعه نکردند که بگویند عامل تمام مشکلات شما هستید.

پرسش: دلیل چیست، چرا مراجعه نکرده اند؟
پاسخ: سیاست های نادرست تیم حاکم چنین وضعیتی را به وجود آورد. دولت افغانستان فکر می کرد که ما می توانیم در دولت پاکستان رخنه کنیم. در حالی که دولت پاکستان و ISI وظیفه دارد که نظم و امنیت افغانستان را برهم زند. دولت افغانستان همه مسایل را نادیده گرفته است، ما در سایه حمایت ائتلاف بین المللی قرار داریم، دنیا به

شدم. اکنون رخداد ناگوار و تکان دهنده ولسوالی وردوج از روی تمام شک و تردیدها پرده برداشت. دو روز پیش، یک مقام محلی که نخواست نامش فاش شود گفت: یک تولی ارتش ملی را طالبان کمین زده اند و در این حادثه به نیروهای امنیتی شدیداً آسیب وارد شده است.

این مقام محلی افزود: وضعیت امنیتی ولایت بدخشان به ویژه ولسوالی وردوج بسیار نگران کننده است و در حدود ۸۰۰ الی ۹۰۰ تن از طالبان مسلح در آن ولسوالی تجمع نموده اند. این وضع، موجب نگرانی شدید مردم شده است.

این در حالی است که طالبان سال پار نیز در یک کمین مشابه چندین وسیله نقلیه ارگان های امنیتی را در ولسوالی وردوج به آتش کشیدند و شماری از نیروهای امنیتی را کشته و زخمی نمودند.

اما به باور نگارنده، کلید این معما و مسأله در دست دولت است. تا هنگامی که والی، فرمانده امنیه و برخی از مسوولان ناکاره امنیتی بدخشان از وظایف شان سبک دوش یا تبدیل نشوند و به عوض آنان افراد باتجربه، مدیر و صادق نصب نگردند، این ولایات نه تنها در کام طالبان و برخی شبکه های تروریستی القاعده سقوط می کند، بل بزرگ ترین نقطه تهدید در شمال کشور خواهد گشت.

برخی از آگاهان بدین باورند که طالبان و شبکه القاعده در سال های پیش رو می خواهند ولایت های لغمان، کنر، نورستان، بدخشان، تخار و در کل ولایات شمالی را ناامن بسازند و یک جبهه بزرگ رزمی را در مقابل دولت در این ولایات باز کنند تا هم زمان با خروج نیروهای خارجی، وضعیت امنیتی را در سراسر افغانستان به ویژه در شمال کشور متشنج و بحرانی سازند.

با توجه به آنچه گفته شد، اگر حکومت به بدخشان توجه نکند، به زودی این ولایت به نفع طالبان سقوط کرده و این امر بالای دیگر ولایات شمال کشور اثر منفی می گذارد، آن گاه شمال به صورت جدی ناامن شده و حتا به یک پایگاه مهم برای طالبان و القاعده مبدل خواهد شد.

افغانستان آمده است، اما ما از این زمینه هیچ استفاده کرده توانستیم. حالا مراکز تروریستی در پاکستان باید نابود می شدند. اما به دلیل این که دولت افغانستان دهان پر آب دولت پاکستان است، در مقابل شبکه های استخباراتی کشورهای همسایه، موضع گیری قاطع و درست گرفته نمی تواند.

پرسش: منظور شما از دهان پر آب پاکستان، آقای کرزی است؟

پاسخ- بله به یقین کامل. وقتی مارهبری می گویم، رهبری نقش بسیار اساسی را بازی می کند. در اطراف رهبری یک تیم است، در این تیم کسانی هم شامل اند که آن ها هنوز می خواهند ملحوظات پاکستان را در نظر بگیرند. بر علاوه از ملحوظات برخی کشورهای دیگر هم در نظر گرفته می شود؛ اما مسوولان زیادتیر مصلحت پاکستان را در نظر می گیرند. شما ببینید که به آدرس واشنگتن تاخت و تاز می کنیم و به آدرس کشورها حرف های زشت و رکیک را به بدترین لهجه ها به کار می بریم؛ این کار هم آب ریختن به آسیاب دشمنان مردم افغانستان است.

روی پاکستان نمی پیچیم که آن ها چه دارند و چه ندارند؛ ما باید با استفاده از فرصت ها، روی نقاط اصلی تمرکز می کردیم که نکرديم.

پرسش: جناب جنرال علومی، تا اکنون در مورد کدام چهره مشخص به عنوان کاندیدای انتخابات پیش رو چه از آدرس ائتلاف ملی و چه از آدرس شورای همکاری احزاب و چه از آدرس جبهه ملی، صحبت کرده اید؟

پاسخ: خوش می شویم که ما از یک آدرس مشترک حرف خود را بزنیم؛ همه ما به اتفاق آرا به این نتیجه رسیده ایم، تا زمانی که چالش های پیش روی انتخابات از بین نرود، قانون انتخابات تصویب نشود، زمان برگزاری انتخابات در مطابقت به قانون اساسی تثبیت نگردد، ما نمی توانیم به رایای نامزد فکر کنیم. در صورتی که این موارد محقق شد، در آن زمان می توانیم نامزد واحد رایای کنیم. ائتلاف ملی هم کاندیدای خود را دارد، امیدوار هستم که ما بتوانیم با جبهه ملی و دیگر احزاب به یک توافق و تفاهم واحد برسیم که یک کاندیدای واحد داشته باشیم.

پرسش: با توجه به تجربه یی که از آقای کرزی داریم، او در امر شکستادن ائتلاف ها و جریان هایی که شکل می گیرد، توانایی زیادی دارد. فکر نمی کنید که در چنین شرایطی رایای یک نامزد مشخص دشوار است؟

پاسخ: در شورای احزاب و ائتلاف ها جوی حاکم است که دسایس و توطیه ها را دفع کند. اظهار نظر در این زمینه پیش از وقت است. هنوز قانون نیست؛ هنوز (برگزاری) انتخابات مشخص نیست. ممکن یک لویه جرگه فرمایشی را برای تداوم قدرت خود این ها برگزار کنند. از تجربه یی که داریم، آن ها از کوچکترین روزنه برای سربازگیری استفاده می کنند.

بسیار تشکر
تشکر از شما.

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگر: ناجیه نوری
 برگ آرای: عبدالوهاب حنیفی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com
 شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۹۳۸۹۹۴۴۶
 مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸
 نشانی: حصه دوم کارته پروان، چهارراهی مسجد مولوی عبدالمتین، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست کوچه پنجم
 شماره گان: ۵۰۰۰
 به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته ها به نویسندگان بر می گردد.

Year 4 NO 1018 Tuesday 12 March 2013

Mandegar DAILY

دولسمشر وروستی څرگندونې د افغانستان او امریکا پر اړیکو ناوړه اغېز کوي



یوازې دا چې د افغانستان او امریکا اړیکې خرابې، بلکې نورې ستونزې هم پېښې، هغه ډول چې د مجاهدینو په دوران او د شوروي اتحاد د ماتې پر مهال امریکا افغانستان یوازې، عربانو او پاکستان ته پرېښود. دی وايي، پاکستان او عربانو په افغانستان کې درې میاشتي او څلور میاشتیني حکومتونه جوړ کړل او د نن ورځې ټولې بدبختی د هماغه مهال دي، چې په مجاهدینو کې داسې رهبر او مشر نه و، چې امریکا ته یې قناعت ورکړی وای؛ څو افغانستان یوازې پرېښودې. د ولسي جرگې دغه غړی زیاتوي، که چېرې اوس هم امریکا بیا افغانستان یوازې پرېږدي او ورته شاه کړي، نو کابل به بیا په وینو ولېږي او افغانان به د جگړو ښکار شي. هغه وايي، دغه ډول څرگندونې په اوسنیو شرایطو کې د دې پر ځای چې خلکو ته یې ووايي، باید له امریکایانو سره یې په کراتو کراتو شریک کړي او ورسره پرې خبرې وکړي او خپلې خبرې پرې ومني. ده وویل، افغانستان په یوه حساس وضعیت کې دی او په کار ده چې د دوستانو د کمولو پر ځای خپل دوستان ډېر کړي، ځکه ځینې وخت په دې ښه پوهېږو چې مجبوره یو، او د

په داسې حال کې چې ولسمشر کرزي ویلي، امریکا او طالبان هره ورځ په اروپا کې خبرې کوي او دواړه د خپلو کټو لپاره په افغانستان کې جگړه اوږدوي، د ولسي جرگې یوشمېر غړي وايي، چې دغه ډول خبرې به د افغانستان او پاکستان اړیکې زیانمنې کړي. هغوی وایي، افغانستان په یوه حساس وضعیت کې دی او باید دغه ډول څرگندونې نه وای شوي.

د ولسي جرگې غړی پیر سیداسحاق گېلاني مانديگار ورځپاڼې ته وویل، له دې یوه حقیقته سترگې نشي پټېدای، چې امریکا له افغانستان سره ډېرې مرستې کړي دي؛ زیاتوي یوه مهمه مسله دا ده چې مور توان نه درلود، چې له دې مرستو نه سمه گټه پورته کړو او یا امریکا ته دا زمینه برابره کړو چې دلته د بیارغونې کارونه وکړي. دی وايي، پله مسله دا ده چې امریکایان ونه توانېدل په افغانستان کې داسې یو سیاست غوره کړي، څو د خپلې ملامتې ښکار نه شي، لکه جگړه یې نه وای اختیار کړې، د افغانستان سرحدونه یې ساتلي وای، خلکو ته یې د کار روزگار غم خوړلی وای او د افغانستان په بیارغونه کې یې کار کړی وای؛ نو نن به هر سړي ورسره ډېره مینه درلودای. د نوموړي په وینا، افغانستان په یوه حساس جغرافیوي موقعیت کې پروت دی او دې ته اړتیا لري؛ څو یو پیاوړی دوست ولري، چې ترې دفاع وکړي او د گاونډیانو له منگلو یې وژغوري. د ښاغلي گېلاني په خبره، د ولسمشر دغه ډول څرگندونې نه

کشته شدن شماری از سربازان امریکایی و افغان در یک حمله خودی



مجبوریت له امله سیاست د دې ايجاب کوي، چې په خپله خوله بنده او په خپل زړه لاس کېږدو. همدارنگه د ولسي جرگې غړي ورمې ساپی مانديگار ورځپاڼې ته وویل، افغانستان په یوه نازک وضعیت کې دی، له یوې خوا ۲۰۱۴ کال را روان دی، افغانستان یوه پیاوړي او لوی ملاتړي ته هم اړتیا لري، ځکه یوازې پاتې کېږي، افغان ځواکونه تجهیز او روزنې ته اړتیا لري او نړیوال له افغانستانه وځي؛ نو ښکاره خبره ده چې د ولسمشر کرزي دغه ډول څرگندونې به د افغانستان او امریکا په اړیکو ناوړه اغېز وښندي. هغه زیاتوي، دغه ډول څرگندونې ته خوشبیننه نه ده او باید دغه ډول خبرې نه وای شوي. نوموړي وايي، ولسمشر په تېرو لسو کلونو کې دغه ډول څرگندونې نه کولې او اوس چې نړیوال له افغانستانه وځي افغانستان ځانله پاتې کېږي دغسې خبرې کوي. د مېرمن ساپی په خبره، ولسمشر دغه ډول خبرې د ټاکنو لپاره کوي، غواړي چې اوبه خړې کړي او ټاکنې چې په کوم وخت او کوم ډول وشي، ورته خندا او ستونزې پيدا کړي. نوموړي وايي، په کار ده چې ولسمشر کرزي د دغسې مهمو مسایلو په اړه له ملي شورا سره چې د خلکو استازي دي مشورې وکړي د هغوی نظرونه واخلي او په گډه یوه ښه تگلاره خپله او عملي کړي. ولسمشر حامد کرزي تېره ورځ د ښځو په یوې غونډه کې وویل، چې اوس هم هره ورځ له هیواده بهر ورځ د امریکایانو او د طالبانو د استازو ترمنځ خبرې روانې دي. ښاغلي کرزي وویل؛ چې طالبان د دې لپاره چې بهرنیان تر ۲۰۱۴ میلادي کال وروسته هم په افغانستان کې پاتې شي؛ خپلو حملو ته دوام ورکوي او خلک وژني. جمهور رییس وايي په هېواد کې وروستی ځانمرگي بریدونه چې په خوست او کابل کې یې ماشومان او عام خلک ووژل؛ د طالبانو له خوا بهرنیانو ته د خدمت لپاره ترې کار واخیستل شو.

بها گفته مقامهای ناتو، در اثر یک حمله خودی، چندین سرباز امریکایی و افغان کشته شده اند. آیساف گفته است که این اتفاق روز دوشنبه در یک نقطه دور دست در شرق افغانستان رخ داده است. آنان تایید کردند که در این رویداد دو سرباز امریکایی کشته شدند. عطاالله خوگیانی سخنگوی والی وردک نیز می گوید که این رویداد در ولسوالی جلیز، ولایت وردک در شرق افغانستان رخ داده است ولی آقای خوگیانی آمار دقیقی از تلفات آن نداد. فرمانده ولسوالی جلیز هم در میان زخمی ها شده گان است. آدم ولجک، سخنگوی فرماندهی مشترک آیساف به بی بی سی گفته است فردی که ملبس با لباس ارتش بوده است بر نیروهای ائتلاف و افغان آتش گشوده است که در نتیجه آن شماری از سربازان ناتو و افغان کشته و شمار دیگری زخمی شده اند. اکثر نیروهای امریکایی در... ادامه صفحه ۶

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش های پیگیرش، به هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین الافغانی را در نظر دارد. بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به خاطر جستجوی راه حل ملی تلاش فراوان داشته اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰
 rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱
 mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
 ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

وزیر دفاع امریکا به حامد کرزی: ما در کنار افغانستان خواهیم بود

یکشنبه با حامد کرزی در ارگ ریاست جمهوری دیدار و گفت و گو کرد. قرار بود آن ها در یک نشست خبری مشترک در مقابل خبرنگاران و کمره های رسانه ها حاضر شوند، اما ظاهراً به دلیل تهدیدات امنیتی این کنفرانس خبری لغو گردید. وزیر دفاع امریکا در دیدار خصوصی با رییس جمهور کرزی در پشت درهای بسته گفت کشورش به حاکمیت ملی افغانستان احترام دارد. به گزارش سایت ریاست جمهوری، او

یاد آور شد که اشتباهاتی در گذشته صورت گرفته است، اما با تجربه از این اشتباهات، هر دو جانب باید برای تحکیم روابط و اعتماد متقابل بیشتر از پیش تلاش کنند. وزیر دفاع امریکا اظهار داشت که مردم افغانستان مستحق احترام و عزت بوده و امریکا در کنار آن ها ایستاده خواهد بود. رییس جمهور کرزی آقای چاک هیگل را شایسته وزارت دفاع امریکا دانسته و سمت جدیدش را به وی تبریک گفته است. رییس جمهور کرزی با اشاره به حادثه اخیر که در آن یک دانشجوی دانشگاه کندهار از...

وزیر دفاع امریکا در دیدار با رییس جمهور کرزی گفته است که آن ها در گذشته اشتباهاتی را در افغانستان انجام داده اند، اما بر اساس تجربه گذشته، باید در راستای اعتماد متقابل دو کشور تلاش نمایند. چاک هیگل وزیر دفاع امریکا شام روز

روزنامه ماندگار برای سال آینده خورشیدی مشترک می پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی	دفا تر خارجی	نارسیده به منزل یا دفا تر	سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی	سه ماهه - ۱۰۰ دالر	سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی	شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه - ۲۰۰ دالر	شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی	نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی	نه ماهه - ۳۰۰ دالر	نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی	یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی
	یک ساله - ۴۰۰ دالر	یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی	

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵